



<https://jas.ui.ac.ir/?lang=en>

Journal of Applied Sociology

E-ISSN: 2322-343X

Vol. 35, Issue 2, No.94, Summer 2024, pp 131-155

Received: 22.11.2023 Accepted: 30.06.2024

Research Paper

Analysis of Economic Sanctions against Iran as a Social Reality in the Digital Space

Masoud Zare' Mehrjardy

Ph.D. student, Department of Sociology, Dr. Shariati Faculty of Literature and Humanities, Ferdowsi University Mashhad, Mashhad, Iran
mehrjardy@gmail.com

Ahmadreza Asgharpourmasouleh *

Assistant professor, Department of Sociology, Dr. Shariati Faculty of Literature and Humanities, Ferdowsi University Mashhad, Mashhad, Iran
asgharpour@um.ac.ir

Alireza Nazarian

Associate professor and senior lecturer at Business School, University of Westminster, London, England
alireza.nazarian@mbacademy.org.uk

Mohsen Noghani

Associate professor, Department of Sociology, Dr. Shariati Faculty of Literature and Humanities, Ferdowsi University Mashhad, Mashhad, Iran
noghani@um.ac.ir

Introduction

This research took an interdisciplinary approach to the literature on sanctions. It examined the reasons for sanctions, as well as the effects and consequences of sanctions in general with a focus on anti-Iranian sanctions. The research aimed to represent and analyze the behaviors of the components within the digital network of sanctions. Iranian Twitter users were the target community for this article. However, the digital social reality of sanctions on Twitter was the result of all users who thought about, acted on, and were concerned with Iran sanctions. As a widely used social network where political news and interactions were frequently expressed and trending, Twitter was the most important community for investigating Iran sanctions. This was because those who imposed sanctions, as well as their defenders and opponents, were all present on this platform. As a result, a debate was unfolding on Twitter. Users on Twitter reproduced and redefined sanctions as an intertextual phenomenon, reintroducing it into the cycle of social reality production in the form of informal but impactful propositions. In general, the researchers in this study were aiming to conduct a big data analysis of the reactions and responses of activists within the Twitter space.

Materials & Methods

This research employed the Social Network Analysis (SNA) method. SNA is a technique for simulating and modeling communication between people, as well as the structure of networks. It also serves as a way to demonstrate the importance of individuals within a network. Approximately 2.4 million tweets in various languages were collected. After preprocessing the tweets and selecting those related to Iran, a total of around one million tweets, comprising both Farsi and English, were chosen for further analysis. Of these, roughly 24% were published in English, while the remaining 76% were in Persian.

Discussion of Results & Conclusion

It appeared that in a society with high internet penetration and a large percentage of university graduates, foreign sanctions combined with internal restrictions, such as censorship and discourse weaknesses, made the meaning-making and discourse-shaping battle on social networks unequal and, in some ways, defeated. Despite the direct presence of supporters and allies of the power core the Islamic Republic, as well as the creation and dissemination of numerous bots, the resulting discourse had little effect (whether positive or negative) on the broader network, except within its own cluster and the adjacent cluster. In fact, the resulting discourse was mostly confined within the network

* Corresponding author

Zare' Mehrjardy, M., Asgharpourmasouleh, A.R., Nazarian, A.R., & Noghani, M. (2024). Analysis of economic sanctions against Iran as a social reality in the digital space. *Journal of Applied Sociology*, 35(2), 131-155. <https://doi.org/10.22108/jas.2024.139881.2451>

2322-343x / © University of Isfahan

This is an open access article under the CC BY-NC-ND/4.0/ License (<https://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/>).



<https://doi.org/10.22108/jas.2024.139881.2451>

and had not expanded significantly in terms of its reach and influence. However, the moderate cluster of government supporters had greater intertextual influence on the formation and expansion of its own discourse, directly or indirectly affecting all other clusters. The cluster of dissidents had to be considered more effective than the cluster close to the government in shaping the meaning of sanctions in international discourses, wielding greater influence than the impact of Iranians abroad. The extracted network, like all

other relationships (primarily from a Foucauldian perspective), was formed through the action and reaction with power institutions and ideology. The traces of this dynamic could be found either in the context, in intertextuality, or in the formation of digital practices.

Keywords: Economic Sanctions, Social Reality, Digital Sociology, Social Media



تحلیل تحریم‌های غرب علیه ایران به‌عنوان یک واقعیت اجتماعی در فضای دیجیتال (تویتر)

زارع مهرجردی، مسعود دانشجوی دکتری گروه جامعه‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دکتر شریعتی، دانشگاه فردوسی

مشهد، مشهد، ایران

mehrjardy@gmail.com

احمدرضا اصغرپور ماسوله*، استادیار، گروه جامعه‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دکتر شریعتی، دانشگاه فردوسی

مشهد، مشهد، ایران

asgharpour@um.ac.ir

علی نظریان، دانشیار، مدرسه کسب و کار، دانشگاه وست مینستر، لندن، انگلستان

alireza.nazarian@mbacademy.org.uk

محسن نوغانی، دانشیار، گروه جامعه‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دکتر شریعتی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

noghani@um.ac.ir

چکیده

این مقاله، شبکه اجتماعی تویتر را حول محور شکل‌گیری شبکه و خوشه‌های تحریم‌های اقتصادی غرب علیه ایران تحلیل می‌کند. این مقاله، روش تحلیل شبکه‌های اجتماعی را روش پژوهش و همچنین تحلیل گفتمان دیجیتال را چارچوب نظری خود قرار داده است. از میان حدود دو میلیون و چهارصد هزار داده جمع‌آوری شده از شبکه اجتماعی تویتر (که پس از تغییر مالکیت با نام شبکه ایکس شناخته می‌شود)، در مدت زمان حدود ۲ سال، حدود یک میلیون داده مفید تحلیل شده است. در این مقاله، به شبکه‌های توییت و ری توییت به زبان‌های فارسی و انگلیسی، به‌همراه روندهای زمانی اوج و فرود بحث‌های تحریمی توجه شده است. یافته‌های این مقاله نشان‌دهنده تنوع عوامل تأثیرگذار بر شکل‌گیری معنای تحریم، به‌عنوان واقعیت اجتماعی در فضای مجازی است. داده‌های مقاله نشان می‌دهند خوشه‌های مختلف، تحت تأثیر متن، زمینه، کنش و واکنش و همچنین قدرت و ایدئولوژی، علاوه بر تولید گفتمان، بر گفتمان‌های دیگر نیز تأثیر می‌گذارند. همچنین تحلیل یافته‌ها، نشان‌دهنده جنگ مغلوبه خوشه‌های گفتمان‌ساز حامیان حکومت از نظر تأثیرگذاری در کل شبکه است.

واژه‌های کلیدی: تحریم‌های اقتصادی، تحلیل گفتمان دیجیتال، جامعه‌شناسی دیجیتال، رسانه‌های اجتماعی.

* نویسنده مسؤل:

زارع مهرجردی، مسعود؛ اصغرپور ماسوله؛ احمدرضا؛ نظریان، علی؛ نوغانی، محسن. (۱۴۰۳). تحلیل تحریم‌های غرب علیه ایران به‌عنوان یک واقعیت اجتماعی در فضای دیجیتال

(تویتر). جامعه‌شناسی کاربردی، ۳۵(۲)، ۱۳۱-۱۵۵. <https://doi.org/10.22108/jas.2024.139881.2451>



مقدمه

سالیان زیادی است که جامعه ایرانی با تحریم‌های اقتصادی و سیاسی^۱ مواجه است؛ تحریم‌هایی که در طول جنگ ایران و عراق نیز ادامه داشته است. سابقه تحریم‌های بین‌المللی ایران به سال‌ها پیش از انقلاب و هم‌زمان با دوره نخست‌وزیری مصدق بازمی‌گردد. این تحریم‌ها را که ابتدا انگلیس و روسیه وضع کردند، بعدها به سطح شدیدتری از تحریم‌ها در سطح بین‌المللی منجر می‌شود (Katouzian, 2012). از آن زمان تاکنون، تغییرات زیادی در نحوه وضع، اعمال و اجرای تحریم‌ها بر ضد ایران به وجود آمده است. تحریم‌ها در ابتدا سیاسی و اقتصادی به نظر می‌رسیدند، اما اکنون با گذشت سال‌ها، آثار بی‌شمار دیگری نیز به آنها نسبت داده می‌شود (Fakheran, 2019; Farzanegan & Hayo, 2019; Kim, 2019).

هم‌زمان با شدت گرفتن تحریم‌های ضد ایرانی ده سال اخیر، شبکه‌های تعاملی اجتماعی و انواع رسانه‌های دیجیتال نیز، رشد چشمگیری را در ایران، همگام با دیگر کشورهای جهان داشته‌اند. نفوذ بالای اینترنت در ایران موجب شده است تا افکار عمومی همواره تحت تأثیر این شبکه‌ها باشند و دیگران را نیز تحت تأثیر قرار دهند. این شبکه‌ها شکل‌پذیر از واقعیت‌های اجتماعی‌اند و از سوی دیگر آن را شکل می‌دهند (Hemminger, 2018). در واقع تأثیر درجه اول اجتماعی تحریم‌ها، در شبکه‌های ارتباطی جست‌وجو می‌شود؛ شبکه‌هایی که در آن، بخش زیادی از جامعه از جمله مردم عادی، سیاست‌گذاران، سیاستمداران، تبادل نظر مستقیم و غیرمستقیم می‌کنند و مفاهیم عینی و ذهنی را شکل می‌دهند (Lewis et al., 2008). بنابراین پژوهش درباره تحریم به‌عنوان یک واقعیت اجتماعی دیجیتال، بسیار متفاوت است از آنچه در جوامع پیشادیتال شاهد بوده‌ایم. جامعه دیجیتال دیگر براساس برداشت‌های کلی پژوهشگران و دولت‌ها از اعمال و کنش افراد عمل نمی‌کند. در جامعه دیجیتال، ساخت واقعیت‌های اجتماعی، فرآیندی یک سویه و ایستا نیست، بلکه واقعیت اجتماعی در مقیاس شبکه‌های ارتباطی و انواع و اقسام رسانه‌ها و عواملان

بی‌شمار آن ساخته می‌شود (Hemminger, 2018; Yan, 2020). تحریم نیز با عنوان یک واقعیت اجتماعی، از این قاعده مستثنا نیست. وقتی از این نظر درباره واقعیت اجتماعی تحریم‌های اقتصادی صحبت می‌کنیم، باید داده‌های کلان حاصل از کنش‌های کاربران را در این شبکه‌ها تحلیل کنیم تا دریابیم اثر اجتماعی واقعی تحریم‌ها چه بوده است.

این پژوهش با در نظر گرفتن نگاه میان‌رشته‌ای به موضوع تحریم، دلایل تحریم و آثار و عواقب تحریم‌ها به‌صورت کلی و نیز تحریم‌های ضد ایرانی به‌صورت خاص، در بازنمایی و تحلیل رفتار اجزای شبکه دیجیتال تحریم‌ها می‌کوشد. جامعه هدف این نوشتار، کاربران ایرانی توییترند؛ هرچند واقعیت اجتماعی دیجیتال تحریم‌ها در توییتر، حاصل برساخت واقعیت نزد تمام کاربرانی است که به تحریم ایران می‌اندیشند، درباره آن عمل می‌کنند و دغدغه آن را دارند. توییتر، شبکه اجتماعی پراستفاده است که بیشتر اخبار و تعاملات سیاسی در آنجا بیان و ترند می‌شوند (Khan et al., 2021) و مهم‌ترین اجتماع برای بررسی تحریم ایران است؛ زیرا وضع‌کنندگان تحریم‌ها، مدافعان و مخالفان آن هم در این توییتر حضور دارند (Orhan, 2023; Nourani et al., 2023). بنابراین در توییتر، جدالی گفتمانی در حال وقوع است و جریان دارد. کاربران در توییتر، تحریم‌ها را پدیده‌ای بینامتنی، بازتولید و بازتعریف می‌کنند و دوباره آن را در قالب گزاره‌های غیررسمی، اما نافذ، به چرخه تولید واقعیت اجتماعی وارد می‌کنند. به‌طور کلی، محققان در این پژوهش به دنبال تحلیل داده‌های کلان از عکس‌العمل کنشگران در فضای توییترند.

پیشینه پژوهش

در پژوهش‌های مربوط به این پژوهش، تحریم‌ها منطبق با پژوهش‌های سیاسی، به سه دسته یک‌جانبه، چندجانبه و همه‌جانبه نیز تقسیم و هر یک در یکی از این محدوده‌ها بررسی می‌شوند؛ اما شاید جامع‌ترین دسته‌بندی تحریم‌ها، از گالتونگ^۲ (1967) باشد:

^۱ Eco-Political Sanctions

^۲ Galtung

هزینه‌های تأمین سرمایه و بدهی میان‌مدت و بلندمدت می‌شود، دیگر هزینه‌ها مانند اعتمادداشتن به کشورها در زمینه فضای کسب و کار است که مانع حضور سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی می‌شود (Biglaiser & Lektzian, 2011; Dreger et al., 2016; Kim, 2013)؛ این موضوع به‌طور کلی باعث کاهش کارایی در بازارها می‌شود، به‌خصوص هنگامی که کمک‌های بین‌المللی قطع می‌شود (Early & Jadoon, 2019)، همچنین شرایط زندگی مردم عادی مختل می‌شود و ممکن است ناآرامی‌های اجتماعی نیز ایجاد شود (Grauvogel et al., 2017; Hufbauer et al., 2007). بنابراین پژوهش‌های حوزه تحریم، تنها از نظر اقتصادی و سیاسی در نظر گرفته نمی‌شود و تعبیر و تفسیرها از جنبه‌های اجتماعی و فرهنگی نیز باید مدنظر قرار گیرد؛ همان‌طور که در پژوهش حاضر نیز، این موضوع مدنظر قرار گرفته است.

الف) تحریم‌های دیپلماتیک و سیاسی شامل: ۱- نادیده‌گرفتن و نبود شناخت؛ ۲- گسیختگی روابط دیپلماتیک؛ ۳- تماس‌نداشتن مستقیم با رهبران سیاسی و ۴- همکاری نکردن سازمان‌های بین‌المللی؛
ب) تحریم‌های ارتباطی شامل ۱- گسست ارتباطات؛ ۲- گسست روابط حمل و نقل مانند ارتباط زمینی، هوایی، دریایی و ریلی؛ ۳- گسست رسانه‌ای و ۴- گسست روابط بین فردی مانند گردشگری و دید و بازدید خانوادگی؛
ج) تحریم‌های اقتصادی شامل ۱- تخریب اقتصاد داخلی؛ ۲- گسست روابط تجاری و ۳- تحریم واردات.

با گذشت زمان مشخص شد که تحریم‌های اقتصادی، اگرچه به‌دنبال منافع سیاسی اند، عواقبی فراتر از حوزه اقتصاد و سیاست دارند. صرف‌نظر از اینکه تحریم‌ها چگونه به اهداف مدنظر خود می‌رسند، ممکن است آسیب‌های انسانی و اجتماعی درخور توجهی را به جوامع هدف وارد کنند. همان‌طور که تحریم‌ها در بخش مالی، باعث افزایش

جدول ۱- محدوده‌های پژوهش تحریم

Table 1- Scopes of sanctions research

| محدوده پژوهش | مسئله | پژوهش‌های نمونه |
|-------------------------------|--|--|
| محدوده اقتصادی | تحریم‌ها و سیستم‌های تجاری و بانکی | (Hatipoglu & Peksen, 2018)(Drezner, 2015) |
| تحریم | تأثیر تحریم‌ها بر صادرات و نفت | (Tuzova & Qayum, 2016) |
| | تأثیر تحریم‌ها بر صنایع و اشتغال‌زایی | (Busk, 2016)(Pratt & Alizadeh, 2018) |
| | تحریم‌ها و ظهور اقتصاد سایه | (Farzanegan & Hayo, 2019) (Studies, 2016) |
| | تحریم‌ها با عنوان ابزار محدودکننده فعالیت‌های هسته‌ای | (Kim & Lee, 2019) |
| | تحریم‌ها تا چه حد حقوق بشر و قوانین بین‌المللی را نقض می‌کنند. | (Peksen, 2009)(Jazairy, 2019) |
| محدوده سیاسی تحریم | تأثیر تحریم‌ها بر افکار عمومی و مشارکت سیاسی جامعه هدف | (Frye, 2019) |
| | نحوه تأثیرگذاری تحریم‌ها بر شکل‌های مختلف حکومتی | (Oechslin, 2014)(Wallace, 2013)(Peksen, 2019a) |
| | تأثیر تحریم‌ها بر فعالیت‌های نظامی جامعه هدف | (Dizaji & Farzanegan, 2019) |
| | تحریم‌ها و فعالیت‌های تروریستی | (Choi & Luo, 2013) |
| | تحریم‌ها و نقش بازدارندگی از جنگ و درگیری‌های داخلی | (McCormack & Pascoe, 2017) |
| محدوده اجتماعی و فرهنگی تحریم | تأثیر تحریم‌ها بر سلامت عمومی جامعه هدف | (Peksen, 2011) (Sen et al., 2013). |
| | تأثیر تحریم‌ها بر معیشت، فقر و فشار اجتماعی | (Neuenkirch & Neumeier, 2016) |
| | تأثیر تحریم‌ها بر وضعیت زنان و کودکان، شکاف جنسیتی و امید به زندگی | (Kim, 2019)(Gutmann et al., 2021) |
| | | (Kokabisaghi, 2018) (Allen & Lektzian, 2013) |

جدول ۲- مسئله‌های محوری پژوهش تحریم

Table 2- Central issues of sanctions research

| مسئله محوری | نمونه یافته‌ها |
|--|--|
| تحریم‌ها و سیستم‌های تجاری و بانکی | <p>- تحریم‌ها شوک‌هایی اند که از خارج به اقتصاد اعمال می‌شوند و قادرند علاوه بر تأثیر بر رشد اقتصادی، ثبات سیاسی و اجتماعی کشور را نیز دستخوش تغییرات (منفی) کند (Hatipoglu & Peksen, 2018).</p> <p>- تحریم‌های روزبه‌روز هدفمندتر و هوشمندتر می‌شوند و جنبه‌های مختلف سیاسی و اقتصادی را در تجارت جهانی در بر می‌گیرند (Drezner, 2015).</p> |
| تأثیر تحریم‌ها بر صادرات و نفت | <p>- تحریم‌ها از طریق تأثیر بر صادرات و قیمت نفت به اقتصاد کشورها فشار می‌آورند (Tuzova & Qayum, 2016)</p> |
| تأثیر تحریم‌ها بر صنایع و اشتغال‌زایی | <p>- اثر تحریم‌ها بسته به منافع، متفاوت است. تحریم‌ها، افراد بیکار دریافت‌کننده حمایت از بازار کار را برای یافتن شغل تشویق می‌کند، در حالی که افراد بیکار دریافت‌کننده حقوق بیکاری را به ترک کار ترغیب می‌کند (Busk, 2016).</p> <p>- با برداشته شدن تحریم‌های سازمان ملل علیه ایران، صنعت گردشگری، رشد بسزایی داشته است و در کنار صادرات نفت و گاز و بیش از آن در آینده اقتصادی نقش ایفا می‌کند (Pratt & Alizadeh, 2018).</p> |
| تحریم‌ها و اقتصاد سایه | <p>- تحریم‌های بین‌المللی تأثیر منفی درخور توجهی را در نرخ رشد اقتصاد سایه نسبت به نرخ رشد تولید ناخالص داخلی داشته است؛ بنابراین، تحریم‌های بین‌المللی (علیه ایران) حتی بیشتر از اقتصاد رسمی، به اقتصاد غیررسمی آسیب رسانده است (Farzanegan & Hayo, 2019).</p> |
| تحریم‌ها با عنوان ابزار محدودکننده فعالیت‌های هسته‌ای | <p>- وقتی تحریم می‌شود، بازارهای غیررسمی افزایش می‌یابد و وقتی تحریم اقتصادی از حمایت بین‌المللی برخوردار باشد، اثرگذاری آن نیز بیشتر می‌شود. همچنین نوع تحریم، اعم از تجاری یا مالی، عامل مهمی در اندازه بازار غیررسمی نیست و تحریم‌ها همچنین به افزایش اختلاس و فساد منجر می‌شود (Studies, 2016).</p> <p>• هرچند تأثیر تحریم‌ها بر کشورها انکارکردنی نیست، اما این تحریم‌ها برای توقف فعالیت‌های هسته‌ای کفایت نمی‌کنند و بسیار به توان اقتصادی و انعطاف سیاسی کشورها بستگی دارند (Kim & Lee, 2019).</p> |
| تحریم‌ها تا چه حد حقوق بشر و قوانین بین‌المللی را نقض می‌کنند؟ | <p>- تحریم‌های اقتصادی، عملکرد دولت‌ها را در نقض حقوق بشر از جمله نقض آزادی بیان، قتل‌های غیرقانونی، شکنجه و تعداد زندانیان سیاسی بدتر می‌کند. همچنین تحریم‌های همه‌جانبه بیش از تحریم‌های جزئی‌تر، برای حقوق بشر مضر است؛ حتی اگر تحریم‌ها به‌طور مشخص با هدف بهبود حقوق بشر اعمال شود. سرانجام تحریم‌های چندجانبه نسبت به تحریم‌های یک‌جانبه، تأثیر منفی بیشتری بر حقوق بشر دارند (Peksen, 2009).</p> |
| تأثیر تحریم‌ها بر افکار عمومی و مشارکت سیاسی جامعه هدف | <p>- تحریم‌های همه‌جانبه اقتصادی، ابزاری برای «تابودی کشور به منظور نجات آن» توصیف شده است و این یک نوع ابزار غیرانسانی و غیراخلاقی سیاست خارجی است (Jazairy, 2019).</p> <p>- شهروندان کشورهای تحریم‌شده، دولت خود را در ابعاد مختلف ارزیابی می‌کنند و تحریم‌ها ممکن است نزد افکار عمومی از دیگر عوامل، اهمیت کمتری داشته باشند. هرچند بسته به میزان تأثیر تحریم‌ها، عملکرد دولت‌ها در قبال تحریم‌ها و افکار عمومی و همچنین گرایش‌های حزبی تأثیر دارد (Frye, 2019).</p> |
| نحوه تأثیرگذاری تحریم‌ها بر شکل‌های مختلف حکومتی | <p>- تفاوت معنی‌داری در میزان موفقیت تحریم‌ها علیه رژیم‌های استبدادی (شخص محور) و دولت‌های دموکراتیک وجود ندارد (Peksen, 2019a).</p> <p>- به‌طور کلی دولت‌های دموکراتیک، تمایل کمی به اعمال تحریم‌های اقتصادی علیه دولت دموکراتیک دیگر دارند و کشورهای هدف معمولاً کشورهایی با نظام سیاسی غیر دموکراتیک‌اند (Wallace, 2013).</p> <p>- نظام‌های استبدادی از طریق کاهش خدمات عمومی و تضعیف بخش خصوصی، چالش‌های ناشی از تحریم‌ها را کنترل می‌کنند؛ از این رو، ممکن است تحریم‌ها اثربخشی لازم را درباره حکومت‌ها نداشته باشد (Oechslin, 2014).</p> |

| مسئله محوری | نمونه یافته‌ها |
|---|--|
| تأثیر تحریم‌ها بر فعالیت‌های نظامی جامعه هدف | - تنها تحریم‌های چندجانبه که در آن ایالات متحده با همکاری دیگر کشورها برای تحریم ایران اقدام می‌کند، از لحاظ آماری تأثیر معنی‌دار و منفی بر هزینه‌های نظامی ایران در کوتاه‌مدت و بلندمدت دارد. تحریم‌های چندجانبه، هزینه‌های نظامی ایران را در درازمدت تقریباً ۷۷ درصد کاهش می‌دهد (Dizaji & Farzanegan, 2019). |
| تحریم‌ها و فعالیت‌های تروریستی | - اگرچه هدف اصلی تحریم‌های اقتصادی مجبور کردن کشورهای سرکش برای انطباق با هنجارها و قوانین بین‌المللی است، اما آنها به‌طور غیرمستقیم نتیجه منفی می‌دهند و کشور هدف به عامل تروریسم بین‌المللی تبدیل می‌شوند (Choi & Luo, 2013). |
| تحریم‌ها و نقش بازاریابی از جنگ | - تحریم‌های بین‌المللی با عنوان جایگزینی برای شروع جنگ‌ها یا برای جلوگیری از شکل‌گیری تنش‌های بیشتر بین‌المللی، در بیشتر مواقع تأثیر مثبت داشته است؛ اما سیاست‌گذاران باید مراقب شدت اعمال تغییرات نیز باشند. در صورتی که شدت تحریم‌ها از حدی بیشتر بشود، ممکن است برعکس به افروخته شدن شعله جنگ بینجامد (McCormack & Pascoe, 2017). |
| تأثیر تحریم‌ها بر معیشت، فقر و فشار اجتماعی | - تأثیر تحریم‌ها بر فقر، با شدت تحریم‌ها افزایش می‌یابد. برای تحریم‌های چندجانبه، این اثرگذاری بیشتر از تحریم‌های یک‌جانبه وجود دارد و شکاف فقر را افزایش می‌دهد (Neuenkirch & Neumeier, 2016). |
| | - تحریم‌ها بر هزینه زندگی، قیمت داروها (که باید خانوارها خریداری کنند) و قیمت آب و برق تأثیر می‌گذارد. همه این‌ها تأثیر مستقیمی بر سلامت عمومی جامعه دارند. این اقدامات اساساً معایر با منشور میثاق سازمان ملل برای حقوق اجتماعی و فرهنگی اقتصادی است؛ زیرا باعث اختلال اساسی در چرخه مواد غذایی، دارویی و بهداشتی می‌شود (Sen et al., 2013). |
| | - تحریم‌ها بر سلامت عمومی، به‌ویژه زنان تأثیر منفی می‌گذارد. همه این یافته‌ها حاکی از آن است که سیاست‌گذاران هنگام تدوین سیاست‌های خود در کشورهای هدف، باید دقت بیشتری درباره ابتلا به HIV / AIDS در بین زنان داشته باشند (Kim, 2019). |
| تأثیر تحریم‌ها بر زنان و کودکان و سلامت عمومی | - تأثیر تحریم‌ها بر بهداشت عمومی تا حد زیادی به شرایط تحمیل هزینه‌های اقتصادی بر کشور هدف بستگی است. در مجموع بعید است که ثروت اقتصادی کشورهای هدف، نقش مهمی در کاهش تأثیر تحریم‌ها بر سلامت عمومی داشته باشند (Peksen, 2011). |
| | - زنان بیشتر تحت تأثیر اعمال تحریم‌ها قرار می‌گیرند. تحریم‌ها «ناپایان جنسیتی» نیست، در نتیجه به‌طور نامتناسب بر اعضای آسیب‌پذیر جامعه اثر می‌گذارد. تحریم‌ها از راه افزایش مرگ‌ومیر کودکان و کاهش هزینه‌های عمومی برای مراقبت‌های بهداشتی، بر امید به زندگی در کشورهای هدف تأثیر منفی می‌گذارد (Gutmann et al., 2021). |
| | - تحریم‌ها باعث بدتر شدن رفاه عمومی مردم و کاهش توانایی آنها برای دسترسی به ضروریات یک زندگی استاندارد، مانند مواد مغذی، مراقبت‌های بهداشتی و دارویی شده است. همچنین تحریم‌های بانکی، سیستم مالی و حمل‌ونقل به کمبود داروهای حیاتی باکیفیت منجر شده است. تأثیر تحریم‌ها بر زندگی افراد فقیر، بیماران، زنان و کودکان بسیار زیاد بوده است. معافیت‌های بشردوستانه، ایرانی‌ها را از آثار منفی تحریم‌ها محافظت نکرده است (Kokabisaghi, 2018). |
| | - وقتی تحریم‌ها تأثیر اقتصادی زیادی بر کشور هدف داشته باشند، عواقب شدیدی را در بهداشت عمومی ایجاد می‌کنند. این عواقب تقریباً مشابه با پیامدهای مرتبط با درگیری‌های نظامی بزرگ است (Allen & Lektzian, 2013). |

در پژوهش‌های داخلی، قنبری و چمنی (۱۴۰۰)، تحقیقی به نام «تحلیل ساختار پویا تبلیغاتی رأی بی‌رأی در توییتز» را براساس مدل تحلیلی جاوت و ادانل بررسی کرده و نتیجه گرفته‌اند که این پویا در دستیابی به هدف اصلی خود، یعنی کاهش میزان مشارکت در انتخابات، موفق نبوده است. همچنین حاجی‌ملا میرزایی و همکاران (۱۴۰۰) در مقاله‌ای با

عنوان «تبیین نقش فناوری کلان‌داده‌ها»، در هوشمندی سامانه‌های «فرماندهی و کنترل سایبری» و ارائه مدل کاربردی آن، نقش فناوری کلان‌داده‌ها را در هوشمندی سامانه فرماندهی و کنترل سایبری بررسی کرده‌اند. نتایج حاصل از این تحقیق، بیانگر آن است که با توجه به ویژگی‌های سامانه‌های نوین فرماندهی و کنترل سایبری، فناوری

کلان‌داده‌ها از ویژگی‌های پشتیبانی قاطع از تصمیم‌گیری، مدیریت کارآمد داده‌ها، آگاهی فراگیر و فهم برتر از فضای نبرد، پشتیبانی و نقش مؤثری را در تحقق هوشمندی این سامانه‌ها ایفا می‌کند. جمشیدی بروجردی و همکاران (۱۴۰۲)، شش گونه ذهنیت در مواجهه با به‌کارگیری کلان‌داده‌ها را در فضای اقتصادی کشور استخراج کرده‌اند: «اقتدارگرایان»، «هواداران اقتصاد رقابتی قانون‌مدار»، «طرفداران اقتصاد باز خودتنظیم»، «تنظیم‌گران میانه‌گرا»، «متحیران» و «طرفداران تصمیم‌گیری متمرکز غیرامنیتی» که هریک از نگاه خود، مسائل موجود در این حوزه را تفسیر می‌کنند. درباره‌ی استخراج و تفسیر شبکه‌ها، اصنافی و همکاران (۱۳۹۶) با استفاده از تحلیل شبکه‌های اجتماعی، به «ترسیم و تحلیل شبکه‌ی هم‌نویسندگی مقالات در تمام ادوار کنگره ملی آسیب‌شناسی خانواده» روی آورده‌اند. آنها در این پژوهش به روش توصیفی و با رویکرد علم‌سنجی و با استفاده از شاخص‌های خرد و کلان، دست به تحلیل شبکه‌ای از ارجاعات بین نویسندگان مقالات زده‌اند. همچنین میرمحمدصادقی (۱۳۹۱) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی جایگاه و توانایی اثرگذاری قشر رهبران اجتماعی در شبکه‌ی اجتماعی آنلاین فیسبوک»، روابط ۱۰۸۱ گره را تحلیل کرده و دریافته است که گره‌هایی دارای مرکزیت بالاترند که در بیرون از فضای مجازی نیز، جزء نخبگان یا رهبران فکری جامعه در رشته کاری و تخصصی خودند.

چارچوب نظری

در این پژوهش تحلیل گفتمان دیجیتال را چارچوب نظری خود قرار داده‌ایم. از نظر جونز و همکاران^۱ (۲۰۱۵)، تحلیل گفتمان دیجیتال در تقاطع زبان، جامعه و فناوری قرار گرفته است. پژوهشگران دیجیتال از طیف متنوعی از رشته‌های اجتماعی استفاده می‌کنند. همچنین روش‌ها و ابزار پژوهش آنها در انجام تحقیقات تجربی متنوعی به کار می‌رود. با این حال، برخی از این روش‌ها و ابزارها ممکن است به ارزیابی انتقادی و انعکاسی نیاز داشته باشند و لازم است که آنها با

دیگر روش‌ها ترکیب شوند تا به‌درستی در فهم و تفسیر انقلاب ارتباطی رخ داده در دنیای دیجیتال، به‌طور مناسب استفاده شوند (Jones et al., 2015). از نظر فرکلان^۲ (۱۳۷۹)، گفتمان بیش از زبان، به «پرکتیس اجتماعی» مربوط می‌شود؛ بنابراین تحلیل گفتمان، مطالعه‌ی «روش‌های ایجاد و مدیریت دنیای اجتماعی مردم با استفاده از سیستم‌های نشانه‌شناختی مختلف» در نظر گرفته می‌شود. به بیان دیگر، چنان‌که گی (۲۰۲۳) بیان می‌کند، تحلیل گفتمان دیجیتال به چگونگی استفاده از منابع چندوجهی و چندنشانه‌ای برای ایجاد هویت‌ها، فعالیت‌ها و ایدئولوژی‌ها در دنیای دیجیتال، به‌عنوان بخشی از یک جهان اجتماعی بزرگ‌تر، مربوط است. بحث مربوط به بحث‌های فعلی تحلیل گفتمان دیجیتال، به پرکتیس دیجیتالی^۳ مربوط است (Ilbury, 2022; Seargeant and Tagg, 2019; Lane, 2019). به‌طور خاص، شامل تطبیق الگوهای فعلی با شرایط و دستاوردهای پژوهش‌های گذشته، حال و آینده و همچنین بررسی چگونگی استفاده‌ی کاربران از منابع چندوجهی جمع‌آوری شده از طریق فناوری‌های دیجیتال است و در نهایت مباحث مربوط به شناسایی ایدئولوژی‌های اساسی، در ساخت متن‌های دیجیتالی در دنیای اجتماعی مدنظر تحلیل گفتمان دیجیتال قرار می‌گیرد (Bou-Franch and Blitvich, 2018). به‌طور کلی از نظر نوریس^۴ (۲۰۰۴)، تمام ارتباطات انسان چندوجهی است؛ اما فناوری‌های دیجیتال تقریباً همیشه در زندگی افراد و به‌طور کلی در جامعه‌اند و با ترکیب نوشتن، تصاویر، صداها و دیگر موارد به شکلی چندوجهی درمی‌آیند. نادیده گرفتن این واقعیت در تجزیه و تحلیل پرکتیس دیجیتال، باعث به دست آمدن نتایج یک‌سویه و همراه با کژتابی می‌شود. بنابراین، ما باید مفاهیم چندشکلی و چندحالتی را محور اصلی تحقیقات فعلی در رسانه‌های دیجیتال قرار دهیم (Darics & Clifton, 2023). همچنین گی^۵ (۲۰۲۳) بیان می‌کند با توجه به آنکه جهان واقعی و مجازی از مجموعه‌ی این عناصر اولیه

² Fairclough

³ digital practices

⁴ Norris

⁵ Gee

¹ Jones et al.

«بافتار^۲» می‌گویند. بافتار یک ویژگی پیوسته است که به انسجام متن منجر می‌شود، یعنی نحوه گرد هم آمدن قسمت‌های مختلف متن با استفاده از دستورات نحوی و معنایی هر سیستم نشانه‌شناختی و نیز نحوه استفاده از بخش‌های مختلف متن به گونه‌ای که نزد خوانندگان، منطقی و معنی‌دار باشد.

اگرچه متن‌هایی مانند بازی‌های رایانه‌ای، سایت‌های شبکه‌های اجتماعی و برنامه‌های تلفن همراه از بسیاری جهات با متن نوشتاری و گفت‌وگویی رو در رو تفاوت دارند، دارای بافتار خاص خودند (Jones et al., 2015). یکی از ویژگی‌های مهم متون که در تحلیل گفتمان دیجیتال حائز اهمیت است، نحوه ایجاد ارتباط با دیگر متون است. البته بینامتنیت^۳ از خصوصیات همه متن‌هاست، اما رسانه‌های دیجیتال به دلیل دارا بودن امکانات گوناگون برای پیوندهای فرامتنی، کپی و چسباندن، ترکیب و تنظیم، اتصال متن‌ها به همدیگر و ادغام آنها با یکدیگر، بستری فراهم‌تر از متن‌های سنتی برای ایجاد و تشخیص بینامتنیت دارند. ماهیت بینامتنی متون رسانه‌های جدید، تأثیر مثبت و منفی را در شیوه‌های خواندن و نوشتن و همچنین مرزبندی‌ها و مفاهیم معمول متن و نویسنده بر جای می‌گذارد (Gordon, 2023) به‌طور کلی، بینامتنیت اساساً یک فرایند اجتماعی است که از طریق آن مردم نه تنها بین متن‌ها ارتباط برقرار می‌کنند، روابط بین آنها را نیز ایجاد می‌کنند (Jones et al., 2015).

زمینه‌ها

دومین مؤلفه، توجه به زمینه‌های مادی و اجتماعی است که در آن متن‌ها تولید، مصرف و برای انجام اقدامات اجتماعی، استفاده می‌شوند. معنا و کاربرد متن‌ها نه تنها در عناصر متنی آنها، در چگونگی قرارگرفتن این عناصر در زمینه‌های واقعی ارتباطات است (Lupton, 2014). چنین درکی باید جنبه‌های مختلف زمینه را شامل شود؛ از جمله جنبه‌های مکانی و زمانی و همچنین جنبه‌های مادی و شناختی که از طریق عامل‌های اجتماعی همراه شده است (ون دایک، ۱۳۸۲). فناوری‌های

برخورد دارند، با استفاده از یک نظریه واحد، تحلیل گفتمانی و معنایی می‌شوند؛ زیرا موضوع مشترک بین آنها، چندشکلی بودن و عملکرد نهایی آنهاست. بر این اساس در اینجا، فرصت منحصر به فردی وجود دارد که از طریق آن استفاده منظم از مفاهیم و چارچوب‌های چندوجهی، نه تنها در زمینه ارتباط زبان و گفتمان دیجیتال، خود پژوهشگری چندوجهی را ارتقا می‌دهد؛ به‌خصوص در پژوهش بر جوامع معاصر با پیچیدگی درخور توجه و طیف وسیعی از شیوه‌های چندوجهی، به‌ویژه در رسانه‌های دیجیتال تعاملی (O'Halloran and Smith, 2012).

یکی از چالش‌های تحلیل گفتمان دیجیتال، گسترش پارادایمی با چشم‌اندازهای کیفی و انتقادی گسترده‌تر است؛ زیرا شیوه‌های جدید دیجیتال، طرز تفکر تحلیل‌گران گفتمان را درباره متن‌ها، تعاملات اجتماعی و حتی ماهیت خود زبان به چالش می‌کشد (Herring, 2019). فضاها نوشتاری تعاملی مانند وبلاگ‌ها و سایت‌های شبکه‌های اجتماعی، شکل بسیار متفاوتی از تعامل اجتماعی را در مقایسه با مکالمات رو در رو و متون سنتی مکتوب امکان‌پذیر می‌کند. همچنین ابزارهای تحلیلی طراحی شده برای بررسی ابعاد ایدئولوژیک گفتمان‌ها نیز، باید متناسب با محیط‌های گفتمانی انتخاب شوند که در آن پراکندگی قدرت - در دیدگاه فوکویی - زیاد است.

در این پژوهش، از چارچوب تحلیلی گفتمان دیجیتال پیشنهادی جونز و همکاران (2015) بهره گرفته‌ایم که در واقع، برگرفته و کاربردی‌سازی شده عناصری از تحلیل گفتمان انتقادی، سیاسی و فوکویی است. همان‌طور که در ادامه خواهیم دید، این چارچوب چهار بخشی است که در بخش بحث و تحلیل، بنا به ضرورت موضوع، بخش اول و دوم، هم‌زمان و در یک بخش مدنظر قرار گرفته است.

متن‌ها

به گفته هالیدی و حسن^۱ (2014)، بیشتر تحلیل‌گران گفتمان معتقدند برای اینکه مجموعه‌ای از عناصر نشانه‌شناختی یک متن در نظر گرفته شوند، باید دارای آن چیزی باشند که به آن

² texture

³ intertextuality

¹ Halliday & Hasan

می‌شود. اما این موضوع در تحلیل گفتمان دیجیتال، چگونه بررسی می‌شود؟ جونز و همکاران (2015) در این باره بیان می‌کند که تحلیل گفتمان دیجیتال درباره روش‌های تأثیرگذاری فن‌آوری‌های دیجیتال، بر چگونگی درک مردم از جهان و برخورد با یکدیگر و تأثیر آن بر توزیع نمادها و ابزارهای اجتماعی بحث می‌کند. محلی که عملکرد قدرت و ایدئولوژی در آن دیده می‌شود، در دستورالعمل‌های ایدئولوژیک و جهت‌گیری‌های بیان‌شده در گفتمانی است که از طریق رسانه‌های دیجیتال منتشر می‌شود (Baig et al., 2019; Kopytowska, 2023). پژوهشگران زیادی در طول این سال‌ها نشان داده‌اند که چگونه با وجود جدیدبودن و وعده‌های دموکراسی و برابری، رسانه‌های جدید در بیشتر اوقات، بسیاری از گرایش‌های مشابه را منعکس و تقویت می‌کنند. بنابراین با وجود فرصت‌های جدید و خلاقانه‌ای که شبکه‌های اجتماعی برای افراد جامعه فراهم می‌کنند تا محتوای خلاقانه خود را تولید کنند و به اشتراک بگذارند، این فرایندها بیشتر در خدمت بازتولید ارزش‌های رسانه‌های وابسته به گرایش‌های خاص ایدئولوژیک و قدرت است. همان‌طور که در رسانه‌های قدیمی‌تر نیز مرسوم بوده است (Sam, 2023). این روابط معمولاً در متن‌ها به صورت واضح بیان نمی‌شوند؛ زیرا با استفاده از روش‌های ظریف‌تر، باعث می‌شوند که نرم‌افزار و رابط وب، کاربران را به انواع خاصی از کنش‌ها و تعاملات هدایت کند. اقداماتی کوچک و مداوم، مانند کلیک کردن بر یک چیز، موافقت با شرایط و ضوابط، ایجاد و پیگیری هشتک‌های مختلف برای پیگیری موضوع و افراد مختلف، پسندیدن و امتیازدادن به عکس و فیلم‌ها (Lupton, 2014 و فوکس، ۱۳۹۹).

مکان مهم دیگری که تحلیلگران گفتمان به دنبال ایدئولوژی‌ها و روابط قدرت مرتبط با شیوه‌های دیجیتالی می‌روند، روش‌های نمایش فناوری‌ها و شیوه‌های دیجیتال در گفتمان عمومی است (Jiang, 2019; Selwyn, 2015). نظارت‌های دیجیتال در گفتمان عمومی، در زمینه‌های

دیجیتالی همه این جنبه‌ها، زمینه را بسیار پیچیده‌تر کرده‌اند. آنها با ایجاد ترکیب‌های پیچیده از فضاها، آنلاین و آفلاین، تجربه ما را از جنبه‌های مکانی و زمانی زمینه تغییر داده‌اند. آنها تجربه ما از زمینه‌های اجتماعی را تغییر داده‌اند و به ما اجازه می‌دهند در طیف گسترده‌ای از انواع مختلف اجتماعات هم‌زمان و ناهم‌زمان، با استفاده از رسانه‌ها و شبکه‌های مختلف شرکت کنیم. آنها با امکان‌پذیر کردن مشارکت در جریان‌های جدید و پیچیده جهانی متشکل از محصولات و ایده‌های فرهنگی، تجربه ما را از زمینه فرهنگ^۱ را تغییر داده‌اند (Lupton, 2014).

کنش‌ها و واکنش‌ها^۲

گوردون^۳ (2023) معتقد است که وقتی افراد با استفاده از فناوری‌ها و متن‌ها، دست به کنش‌هایی می‌زنند، به‌ندرت این کار را به‌تنهایی انجام می‌دهند. آنها همیشه در کنش و واکنش با افراد دیگر رفتار می‌کنند. بنابراین تعامل اینکه مردم برای ایجاد جهان اجتماعی خود درگیر آن می‌شوند، یک موضوع عملی است که تحلیلگران گفتمان به آن توجه می‌کنند (ون دایک، ۱۳۸۲). فناوری‌ها، تعامل انسان با انسان را تسهیل می‌کنند. در بیشتر مواقع وقتی از فناوری‌های دیجیتال استفاده می‌کنیم، درگیر تعاملات متعدد با انسان‌های دیگر، نمایه‌ها، الگوریتم و سازمان‌هایییم (Gee, 2023). همچنین نکته مهم این است که هرگونه تعامل با فناوری‌ها، هم‌زمان به‌منزله گفت‌وگو با طراحان این فناوری‌هاست. به بیان دیگر امکانات فناوری‌های دیجیتال، نوعی ارتباط بین طراحان و استفاده‌کنندگان از فناوری‌ها هستند (Gordon, 2023; Gee, 2023).

ایدئولوژی و قدرت

آخرین مؤلفه، توجه به چگونگی تعامل گفتمان با ایدئولوژی‌ها و روابط خاص قدرت بین افراد و گروه‌هاست. این توجه در هر سه نوع تحلیل گفتمان انتقادی، سیاسی و فوکویی رهگیری

¹ context of culture

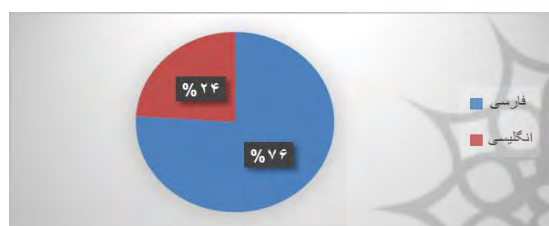
² Actions and interactions

³ Gordon

می‌کنند. در واقع روش تحلیل شبکه است که براساس آن روابط به‌مثابه پیوندهای اتصال‌دهنده عامل‌ها تلقی می‌شوند (اسکات، ۱۳۹۶).

تعداد کل داده‌ها و زبان توییت‌ها

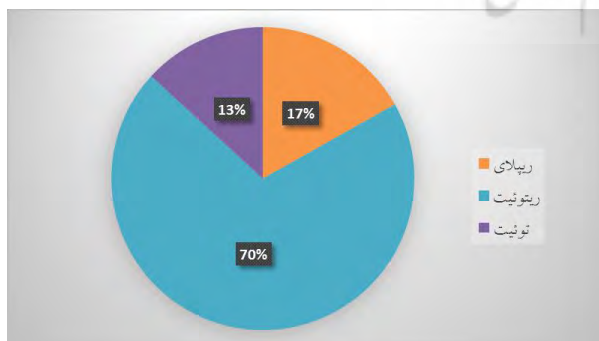
همان‌طور که پیش‌تر گفته شد، نزدیک به ۲,۴ میلیون توییت به زبان‌های مختلف جمع‌آوری شد که پس از پیش‌پردازش توییت‌ها و انتخاب توییت‌هایی که به ایران مربوط‌اند، در مجموع حدود یک میلیون توییت، متشکل از توییت‌های فارسی و انگلیسی برای تحلیل‌های بیشتر انتخاب شد. از این میان حدود ۲۴ درصد از توییت‌ها به زبان انگلیسی منتشر شده و مابقی حدود ۷۶ درصد به زبان فارسی بوده است.



شکل ۱- زبان توییت‌ها
Fig 1-The language of tweets

نوع توییت

از مجموع کل داده‌ها، ۷۰٪ مربوط به بازتوییت‌هایی بوده است که کاربران انجام داده‌اند، ۱۷٪ مربوط به ریپلای و منشن بوده است و ۱۳٪ از کل داده‌ها شامل توییت‌هایی می‌شود که به صورت مستقل و یکتا منتشر شده است.



شکل ۲- دسته‌بندی توییت‌ها براساس نوع توییت

Fig 2- Classification of tweets based on the type of tweet

ارتباطات و آموزش آنلاین و مطالعات سواد دیجیتالی، موجب شکل‌گیری سوگیری‌های ایدئولوژیک می‌شود که این سوگیری‌ها در نهایت به درک متفاوتی از ایجاد، مالکیت و توزیع متن می‌انجامد (Synder, 2015). به‌طور کلی با وجود وعده‌هایی فن‌آوری‌های دیجیتال برای قراردادن قدرت ایجاد و دسترسی متن‌ها در اختیار مردم عادی و برابری در زمینه بازی‌گفتمان، هنوز هم قوانین نانوشته بازی را گروه نسبتاً کوچک اما قدرتمند تنظیم می‌کنند (فوکس، ۱۳۹۹).

روش

در این پژوهش، از روش تحلیل شبکه‌های اجتماعی (SNA) بهره‌گیری شده است که روشی برای شبیه‌سازی^۱ و الگویابی^۲ ارتباطات بین افراد و ساختار شبکه و در عین حال راهی برای نمایش اهمیت افراد حاضر در یک شبکه است (Akhtar et al., 2013؛ Catanese et al., 2011؛ Park et al., 2009). از دیدگاه تحلیل شبکه جزء اصلی ساخت اجتماعی، نوعی گروه در حال کارکرد است که با شبکه تعاملی خود در زمان و مکان جاری است؛ زیرا این نوع واحدها هستند که عینیت دارند و حائز نوعی منزلت هستی‌شناختی‌اند (چلبی، ۱۳۷۳). در واقع به‌واسطه توسعه روابط اجتماعی در دنیای مدرن، چه رودررو و چه در بستر اینترنت، حجم وسیعی از داده‌های رابطه‌ای^۳ (اسکات، ۱۳۹۶) به وجود می‌آیند که این داده‌ها از نظر اسکات^۴ (۱۳۹۶)، معطوف به تماس‌ها، روابط، وابستگی‌ها، تعلقات گروهی و دیدارهایی است که یک عامل را به دیگری مرتبط می‌کند و به خصوصیات عامل‌های منفرد تقلیل‌دانی نیست، بلکه خصوصیات نظام‌های رابطه‌ای کنشگران و ماحصل اتصال عامل‌هایی است که دو به دو با هم تعامل دارند. داده‌های رابطه‌ای با روش‌های کمی و کیفی پیشین، تجزیه و تحلیل و تفسیر نمی‌شوند. بنابراین تحلیل شبکه‌های اجتماعی راهی برای استخراج و تحلیل این داده‌ها برای استفاده پژوهشگران، در راستای هدفی است که از این تحلیل‌ها دنبال

¹ Simulation

² Modeling

³ Relational Data

⁴ Scott

استخراج داده‌ها

پژوهشگر در تحلیل شبکه، برای جمع‌آوری داده‌های شبکه‌ای مربوط به انواع روابط اجتماعی، از ابزارهایی نظیر پرسش‌نامه، مشاهده مستقیم، مطالعه اسنادی، آزمایش، آزمون‌ها، مقیاس‌ها و حتی گروه‌سنجی استفاده می‌کند. اما آنچه در طرح گویه‌ها یا پرسش‌ها و به‌طور کلی در جمع‌آوری داده‌ها باید مدنظر قرار گیرد، این است که آنها باید طوری طرح شوند که وضعیت رابطه یا پیوند بین گره‌ها را آشکار کنند (نوغانی دخت بهمنی و صادقی‌نژاد، ۱۳۹۳). به‌طور کلی، داده‌های شبکه‌ای از منابع مختلفی به دست آورده می‌شود؛ از جمله شبکه‌های بانکی آنلاین، موقعیت‌های فیزیکی افراد و جابه‌جایی‌های آنها، افکارسنجی‌های گسترده و همچنین سایت‌ها و شبکه‌های اینترنتی. شبکه‌های اجتماعی اینترنتی، از مهم‌ترین منابع انباشت داده‌های کلان‌اند (Tan et al., 2013). این شبکه‌ها با جذب مشارکت فعالانه کاربران خود، با ترندهای متفاوت به بازتولید افکار و عقاید، سرگرمی‌ها، جابه‌جایی‌ها و روابط گروهی حقیقی و مجازی آنها روی می‌آورند و از این طریق، موجب تغییر در سرمایه‌های اجتماعی آنها نیز می‌شوند (Ellison et al., 2007). گردآوری خودکار این داده‌ها و بایگانی کردن آنها، حجم زیادی داده تولید می‌کند. داده‌های مدنظر این پژوهش که کلان‌داده^۱ نیز نامیده می‌شود، معمولاً شامل محتوای تولیدشده به وسیله کاربر^۲ یا اطلاعاتی است که کاربران در شبکه‌های اجتماعی تولید می‌کنند: توییت‌های کاربران، به‌روزکردن وضعیتشان^۳، نوشتارها و نظرهای وبلاگی، عکس و فیلم و مانند آنها. بسترهای شبکه‌های اجتماعی شمار زیادی امکانات ارتباطی را ثبت و ضبط می‌کنند. نه تنها آنچه گفته می‌شود، مشخصات^۴ گویندگان و مخاطبان آنها و همچنین عکس‌العمل آنها را نسبت به محتوا ثبت می‌کند؛ مانند تعداد لایک‌ها^۵، نظرها، بازدیدها، زمان

ماندن در یک صفحه، «بازتوییت‌ها»، زمان صرف‌شده برای تعامل در روز، موقعیت جغرافیایی کاربران، جمله‌های استفاده‌شده برای جست‌وجوی محتوا، چگونگی اشتراک‌گذاری محتوا در بستر شبکه‌ای و نظایر آن. توجه روزافزونی از جانب سازمان‌های تجاری و غیرتجاری نسبت به ارزش کلان‌داده‌ها وجود دارد (Lupton, 2014).

اسکات و کرینگتون^۷ (2011) مراحل زیر را برای استخراج، تا تحلیل داده‌های شبکه‌ای در نظر می‌گیرند:

۱- جمع‌آوری داده‌ها شامل تعریف کلمات کلیدی و هشتگ‌ها، گردآوری داده‌ها از طریق API یا نرم‌افزار، مسئله‌پایایی و تعمیم‌پذیری، فرمت‌های مختلف داده‌های استخراج‌شده؛

۲- آماده‌سازی داده‌ها: حذف داده‌های نامربوط، مرتب‌سازی و مناسب‌سازی؛

۳- ترسیم شبکه روابط: ترسیم داده‌ها به گونه‌ای که آنها را گویاتر و قابل‌استفاده‌تر کند.

۴- تحلیل داده‌ها: انتخاب شبکه‌های مناسب براساس نیاز پژوهش و انتخاب معیارهای تحلیل شبکه در این پژوهش. همچنین برای استخراج داده‌ها از توییت، از سایت‌هایی مانند Blockspring و Workbench استفاده شده است. واژگان کلیدی و هشتگ‌های جست‌وجوشده در این پژوهش، به شرح زیر است:

Sanctions, economic sanctions, Iranian Ban, Sanctions against Iran, US sanctions, Un Sanctions

این عبارات، شامل کلمه‌های فارسی تحریم (جدا از معانی عربی آن) و تحریم اقتصادی نیز می‌شود.

تعداد داده‌های مستخرج در حدود ۲/۴ میلیون توییت است که پس از حذف داده‌های نامرتب، مانند داده‌هایی که با همین کلمات کلیدی در رشته‌های دیگر نظیر روان‌شناسی استفاده می‌شوند، حدود ۱ میلیون داده تحلیل‌شدنی به دست آمد.

برای تبدیل داده‌های شبکه به دست آمده به گراف‌های

¹ Big Data

² User- Generated content

³ Status Updates

⁴ Profile

⁵ Likes

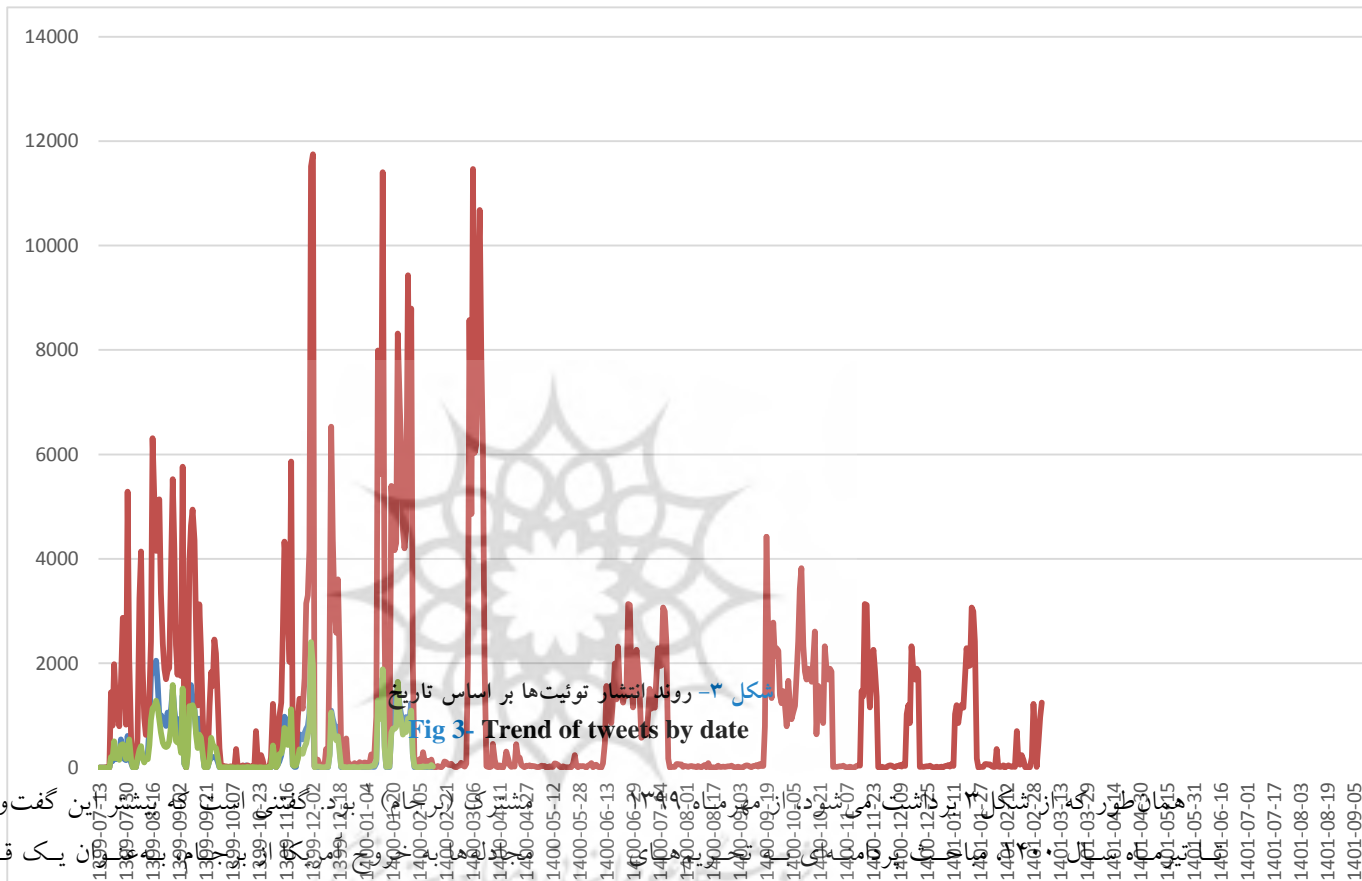
⁶ Retweets

⁷ Scott & Carrington

براساس کلان‌داده، از چند نرم‌افزار اصلی تحلیل شبکه‌های اجتماعی استفاده شد. کتابخانه‌های `dplyr` و `tidyr` زبان برنامه‌نویسی R برای پاک‌سازی و مرتب‌سازی داده‌ها و نرم‌افزار Gephi برای رسم گراف‌ها، به کار گرفته شده است

یافته‌ها

روند داده‌ها برحسب تاریخ شمسی

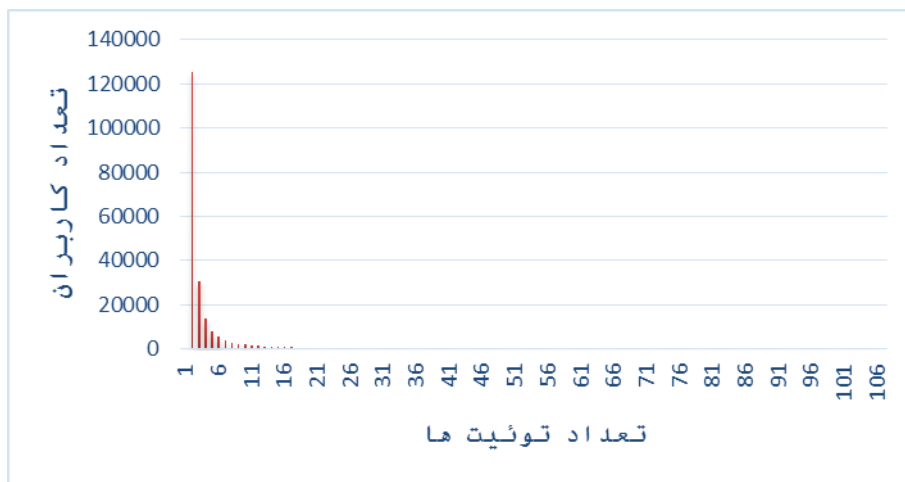


بین‌المللی گفت‌وگو و ریاست‌جمهور وقت ایالات متحده در ۱۸ اردیبهشت ماه ۱۳۹۷ شمسی اتفاق افتاد؛ قراردادی که سال‌ها زمان و انرژی دیپلماتیک کشورهای مختلف را به خود اختصاص داده و قرار بود تا برنامه‌ای برای اطمینان از دستیابی نیافتن حکومت جمهوری اسلامی در قبال برداشته‌شدن تدریجی تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران باشد. اما در بخش دوم مترام نمودار، سه قله مرتفع حدود ۱۲۰۰۰ توییتی برمی‌خوریم.

هیستوگرام تولید داده‌ها

بین‌المللی علیه ایران مربوط بوده است. این دوران هم‌زمان با بالاگرفتن بحث‌های مربوط به برجام و تشدید آثار تحریم‌ها و نمایان شدن آنها در شاخص‌های اقتصادی ایران که به طور کلی شامل تورم بیش از ۵۰ درصد و کاهش ارزش پول ایران نسبت به دلار است. همچنین اوج گرفتن این مباحث، هم‌زمان است با آغاز تبلیغات ریاست‌جمهوری آمریکا در شهریورماه ۱۳۹۹ و برگزاری انتخابات در آن‌ماه همان سال که به پیروزی دموکرات‌ها انجامید. شایان ذکر است که یکی از تیرهای مبارزه نامزدهای دموکرات و جمهوری‌خواه (به ترتیب جو بایدن و دونالد ترامپ) تحریم‌های ضد ایران و بازگشت یا بازنگشتن به قراردادی موسوم به برنامه جامع اقدام

¹ Joint Comprehensive Plan of Action

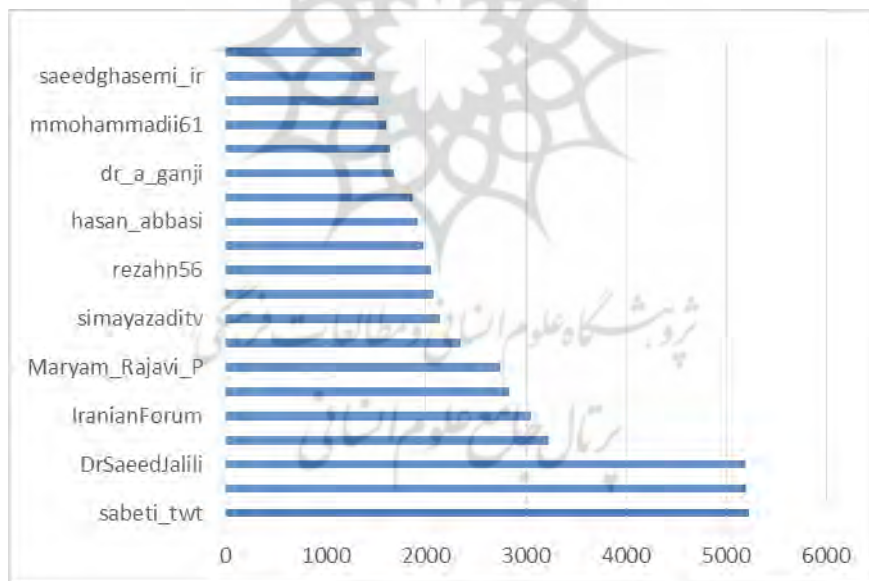


شکل ۴- تعداد توئیٹ منتشر شده برحسب تعداد افراد

Fig 4- Number of published tweets by number of people

بیشترین ری توئیٹ شده‌ها

نمودار شکل ۴ نشان می‌دهد تعداد زیادی از افراد، تنها یک توئیٹ منتشر کرده و در مقابل تعداد کمی از افراد، توئیٹ‌های متعددی داشته‌اند.

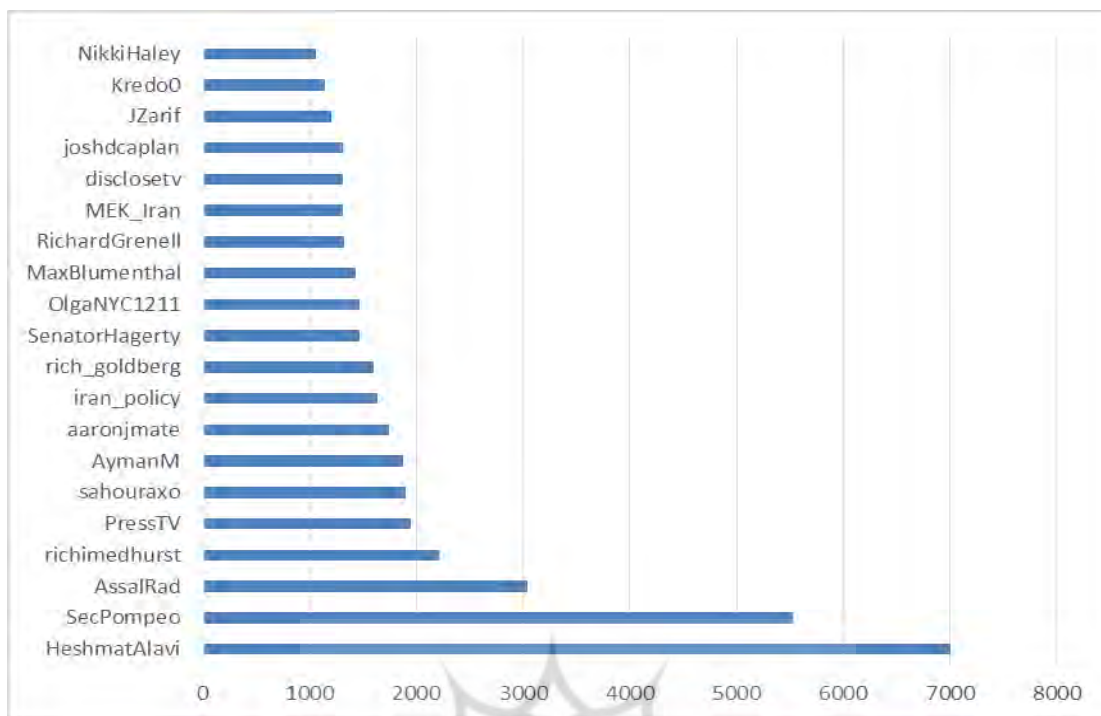


شکل ۵- بیشترین ری توئیٹ شدگان در بین توئیٹ‌های فارسی

Fig 5- The most retweeted among Persian tweets

در این دسته قرار داده‌اند. کمی کمتر از این مقدار را اکانت‌های وابسته به فرقه موسوم به مجاهدین خلق نیز در دست دارند و پس از آنها، سلطنت طلب‌ها قرار می‌گیرند.

براساس محتوای کلی داده‌ها، بیشترین ری توئیٹ‌ها را می‌توان به افراد و ارگان‌های وابسته به حکومت ایران نسبت داد. اکانت‌های افراد مستقل یا حتی منتقدان نرم‌خوی داخلی

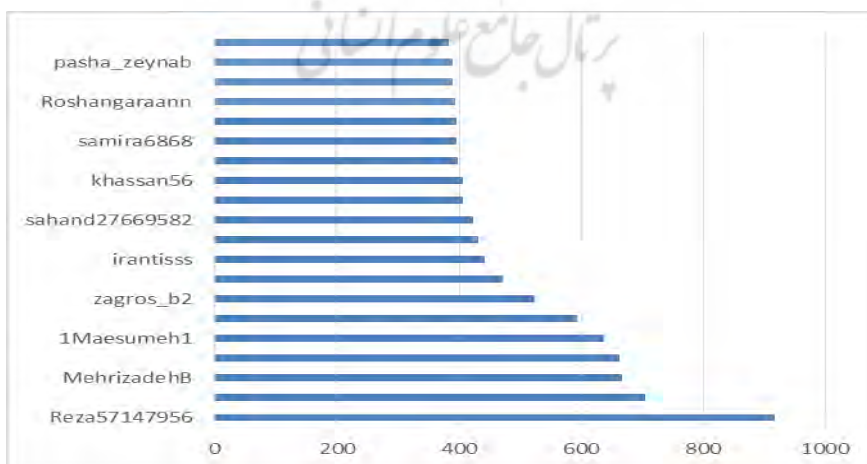


شکل ۶- بیشترین ریتوییت‌شدگان در بین توییت‌های انگلیسی
Fig 6- The most retweeted among English tweets

و مدارکی از وجود واقعی این شخص وجود ندارد. رتبه‌های بعدی این نمودار شکل ۶ نیز درخور توجه‌اند. میک پامپئو که از مخالفان سرسخت حکومت ایران است، در رتبه دوم قرار دارد و پس از او، عسل راد جای دارد که پژوهشگر حوزه‌های سیاسی است. در بقیه موارد نیز بیشتر با مخالفان جمهوری اسلامی، اعم از سلطنت‌طلب و فرقه موسوم به مجاهدین خلق است.

بیشترین ریتوییت‌شدگان در بین توییت‌های انگلیسی

برخلاف زبان فارسی، رتبه‌های بالای ریتوییت‌شوندگان زبان انگلیسی، در دست مخالفان حکومت ایران است. اما بیشترین ریتوییت‌شونده انگلیسی، یک شخصیت جعلی به نام حشمت علوی است. او مقالات زیادی را در نشریات آمریکایی منتشر کرده است که در آنها از نظام جمهوری اسلامی ایران، انتقاد و از شورای ملی مقاومت ایران حمایت می‌کند؛ اما هیچ شواهد



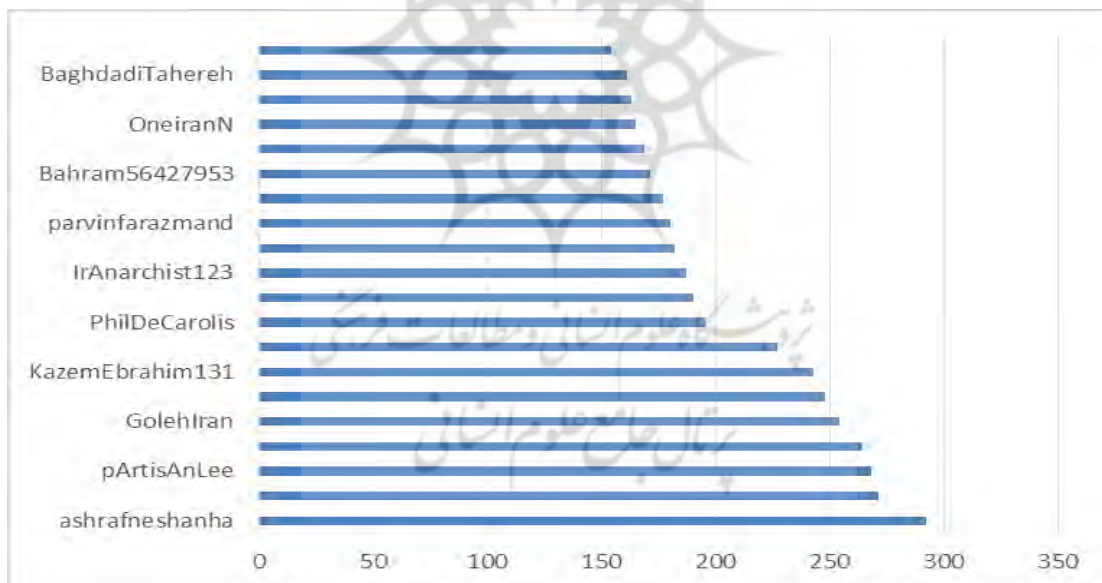
شکل ۷- بیشترین ریتوییت‌کنندگان در زبان فارسی
Fig 7- The most retweeters in Persian language

بیشترین ری‌توییت‌کنندگان

نقش ری‌توییت‌کنندگان در شکل‌گیری شبکه‌ها درخور توجه است. ری‌توییت یک عملکرد تکمیلی و تأثیرگذار در شبکه‌های اجتماعی است که به کاربران اجازه می‌دهد تا توییت‌های دیگران را به دنبال‌کنندگان خود نشان دهند. این یک راه جافتاده برای به اشتراک گذاشتن اطلاعات و ایده‌ها با مخاطبان گسترده‌تر است و به شکل‌گیری گفتمان‌های جدید و شبکه‌های گسترده‌تر کمک می‌کند. ری‌توییت‌کنندگان به گسترش آگاهی از موضوعات مهم و به ایجاد گفت‌وگو و تبادل ایده‌ها کمک می‌کنند. آنها همچنین بر دیدگاه‌های مختلف درباره یک موضوع تأثیر می‌گذارند. در عین حال نباید به‌سادگی از نقش منفی ری‌توییت‌کنندگان در شکل‌گیری شبکه‌ها و گفتمان‌های شایعه‌محور گذر کرد. ری‌توییت‌ها برای انتشار اطلاعات نادرست و شایعات و برای تضعیف

صدای گروه‌های آسیب‌پذیر استفاده می‌شوند. ری‌توییت‌ها همچنین بستری برای ایجاد فضایی به‌جهت نفرت‌پراکنی و خشونت استفاده می‌شوند. استفاده مسئولانه یا غیرمسئولانه از ری‌توییت‌ها، نقش مهمی در فضای موردبحث دارد. با همین دیدگاه، فضای ری‌توییت‌کنندگان فارسی عمدتاً در اختیار حامیان فرقه موسوم به مجاهدین خلق، براندازان و سلطنت‌طلبان است که احتمال هدف‌مند بودن و مخرب بودن این فضا را بالا می‌برد. به نظر می‌رسد با افزایش فیلترینگ توییت در داخل کشور، به دلیل کم‌رنگ شدن حضور عموم مردن، عرصه برای استفاده غیرمسئولانه و تفرقه‌برانگیز، بازتر و محیتر شده است.

بیشترین ری‌توییت‌کنندگان در زبان انگلیسی



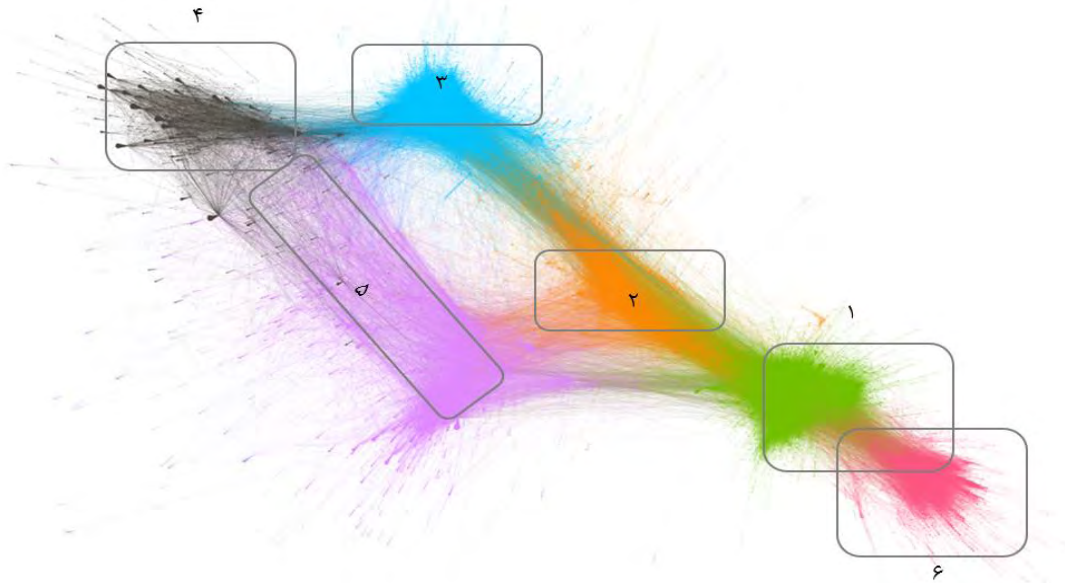
شکل ۸- بیشترین ری‌توییت‌کنندگان در زبان انگلیسی

Fig 8- The most retweeters in English

برهم خوردن تعادل در استفاده از شبکه شده است.

شبکه ری‌توییت فارسی و انگلیسی

این فضا در ری‌توییت انگلیسی نیز، همانند و بیشتر از زبان فارسی، فضایی مغلوب به نفع فرقه موسوم به مجاهدین خلق است. همان‌طور که گفته شد، فیلترینگ، باعث



شکل ۹- گراف شبکه ریتوییت فارسی و انگلیسی

Fig 9- Farsi and English retweet network graph

از مجموع حساب‌های بررسی‌شده در این گفتمان حضور دارند. گفتمان این خوشه عموماً با میانه‌روهای انقلابی و مسئولان سابق جمهوری اسلامی و فعالان وابسته به آنها شکل گرفته است. بازدهی کلی افراد در این خوشه، حدود ۶۰ درصد برآورد می‌شود. البته باید توجه داشت که این خوشه، تمام پتانسیل این گفتمان را پوشش نمی‌دهد، بلکه با توجه به شاخصه‌های این گفتمان، بخش درخور توجهی از محتوا و حساب‌های خوشه فعالان سیاسی میانه‌روی خارج‌نشین را نیز به حساب شبکه و گفتمان خوشه شماره ۲ به‌طور مستقیم و غیرمستقیم منظور کرد. به عبارت دیگر این خوشه با و بدون ارتباط با خوشه ۵ تحلیل کرد. البته رویکرد نگارندگان این نوشته، تفکیک بین این دو گفتمان برای سهولت در تشخیص رویکردهای غیرمشترک رویکردهای گفتمانی این خوشه‌هاست.

خوشه ۳

با وام‌گیری از مفاهیم سیاسی رایج، نام این دسته را خوشه برانداز می‌گذاریم. گروه‌های برانداز به آن دسته از مخالفان سیاسی و اجتماعی حکومت کنونی ایران (جمهوری اسلامی) اطلاق می‌شود که به‌صورت کلی برای رسیدن به اهداف، راهی

برای یافتن طرح کلی از شبکه شکل‌گرفته حول مفهوم تحریم، شبکه کلی ری‌توییت‌ها را استخراج کردیم. در این شبکه چند طیف عمده و تأثیرگذار تشخیص‌دانی است:

خوشه ۱

خوشه شماره ۱ که شکل ۹ با رنگ سبز متمایز شده است، عمدتاً از کاربران متمایل به حکومت جمهوری اسلامی با گرایش‌های محافظه‌کارانه، مذهبی و انقلاب‌محور تشکیل شده است. اکانت‌های تأثیرگذار این خوشه، اکانت‌های متناسب به رهبر جمهوری اسلامی و تئوریسین‌های انقلابی-مذهبی جمهوری اسلامی، نظیر سعید جلیلی، حسن عباسی، امیرحسین ثابتی و اکانت‌های رسانه‌های دولتی‌اند. حساب‌های این خوشه، در مجموع ۱۴.۲ درصد از کاربران شبکه را تشکیل می‌دهند و ۳۰ درصد کل محتوای این شبکه را تولید می‌کنند. به بیان دیگر، بازدهی کلی افراد در این خوشه بیش از ۱۰۰۰ درصد است.

خوشه ۲

خوشه شماره ۲ از نظر تعداد یال‌های ارتباطی، کوچک‌تر از خوشه پیشین است. این در حالی است که بیش از ده درصد

هرچند ممکن است این نام به‌طور کلی در بر گیرنده همه افراد این خوشه نباشد، اما این خوشه براساس حساب‌هایی با موقعیت مکانی خارج از کشور بنا شده است؛ مثلاً، حساب انگلیسی محمدجواد ظریف، وزیر امور خارجه سابق ایران نیز با توجه به موقعیت این حساب در شبکه، در همین عنوان دسته‌بندی شده است. ۹,۱۲ درصد از محتوای کل شبکه با همین خوشه تولید شده است، در حالی که حدود ۷,۱۸ درصد از حساب‌های بررسی‌شده این شبکه، در تولید گفتمان کلی این خوشه، تأثیرگذار بوده‌اند.

خوشه ۶

تقریباً کار تولید گفتمان این خوشه، از طریق بات‌های مجازی انجام شده است. بات‌ها را باید در پژوهش‌های متعددی بررسی کرد. بات‌ها قادرند تنها به وسیله یک نفر تولید شوند و تعادل معنایی و گفتمانی یک شبکه بزرگ را تحت تأثیر قرار دهند. این بات‌ها، بازگوکننده یک مطلب مشخص در سطح بسیار زیاد در شبکه‌اند. خوشه‌ای که نام بات‌های انقلابی را بر آن نهاده‌ایم، از همین دست است. آنها حدود ۸,۴ درصد از محتوای شبکه را تولید کرده‌اند. همان‌طور که در شبکه نیز مشاهده می‌شود، این بات‌ها اهدافی بیرون شبکه‌ای دارند و تنها ارتباط مؤثرشان با خوشه شماره ۱، که نماینده گفتمانی نزدیکان انقلابی به حکومت جمهوری اسلامی‌اند، به‌عنوان تأمین‌کننده خوراک بات‌هاست. این بات‌ها از طریق حدود ۱,۵ درصد از حساب‌های این شبکه اداره می‌شوند و با بازدهی ۳۵۰ درصدی، حدود ۴,۸ درصد از حجم شبکه را به خود اختصاص داده‌اند.

در جدول زیر به‌طور خلاصه، افراد یا حساب‌های تأثیرگذار در هر خوشه را با در نظر گرفتن شاخص مرکزیت، به‌عنوان شاخص تأثیرگذاری و رهبری در شبکه می‌بینیم (Monzani et al., 2021).

به‌جز دگرگونی ساختاری حکومت چه از طریق مبارزه سیاسی، اجتماعی و حتی نظامی متصور نیستند. برخی از این گروه‌ها همچون مجاهدین خلق، سابقه مبارزاتی طولانی در دوران رژیم سابق و کنونی دارند و در طول بیش از ۵۰ سال، فراز و نشیب‌های زیادی را گذرانده‌اند و هم‌اکنون علاوه بر فعالیت‌های سیاسی گسترده، از طریق راه‌اندازی نشست‌ها و همایش‌های بین‌المللی، به مبارزه و یارگیری در شبکه‌های مجازی، در رأس آنها تویتر روی آورده‌اند. اما گروه‌های دیگر با سابقه کمتر نیز، با گروه‌سازی در شبکه‌های اجتماعی، در مدیریت افکار عمومی و تلاش بر آماده‌سازی جامعه ساکن داخل ایران برای پشتیبانی فکری و احیاناً مالی و مبارزاتی دارند؛ از جمله سلطنت‌طلبان که معتقد به بازگشت سلطنت مشروطه به ایران و پادشاهی فرزند شاه پیشین برای بهبود اوضاع‌اند. هرچند مجاهدین و سلطنت‌طلب‌ها در یک جبهه سیاسی قرار نمی‌گیرند، اما می‌توان با مراجعه به نوع فعالیت، پژوهش‌های رسانه‌ای و مشی سیاسی، براندازی را هدف مشترک آنها اعلام کرد. ۱۱,۸ درصد حساب‌های شبکه استخراج‌شده متعلق به این گروه‌هاست. این در حالی است که ۱۵,۸ محتوای تولیدشده در شبکه را همین خوشه بر عهده داشته است؛ بنابراین بازدهی کلی اجزای تولیدکننده این گفتمان را حدود ۱۹۰ درصد در نظر می‌گیریم.

خوشه ۴

۹,۱۰ درصد از حساب‌های شبکه تحریم‌ها، مربوط به افراد یا سازمان‌های غیر ایرانی برآورد می‌شود که حدود ۲,۳ درصد از محتوای شبکه را تولید کرده‌اند؛ به معنای دیگر فعالان غیر ایرانی از نظر کمی، بسیار کمتر از نسبت مورد انتظار، محتوا تولید کرده‌اند، هرچند تأثیرگذاری همین محتوا - همان‌طور که در ادامه خواهیم دید - در سطح بین‌الملل نادیده گرفته نمی‌شود.

خوشه ۵

جدول ۳- حساب‌های تأثیرگذار در هر خوشه

Table 3- Influential accounts in each cluster

| خوشه | درصد محتوا | درصد کاربران | کاربران تأثیرگذار |
|---------------------------------------|------------|--------------|--|
| بنفش (ایرانیان خارج از کشور) | 9.12% | ۷.۱۸٪ | AssalRad, Jzarif, yarbatman, NegarMortazavi, sahouraxo, MaxBlumenthal, aaronjmate, AbasAslani, richimedhurst, JasonMBrodsky |
| سبز (طرفداران جمهوری اسلامی) | 20.3% | ۲.۱۴٪ | Khamenei_fa, DrSaeedJalili, PressTVElection, sabeti_twt, dr_a_ganji, GhoreishiG, ayyaaar, hasan_abbasi, Jahanaraofogh, saeedghasemi_ir |
| آبی (برانداز) | 15.8% | ۸.۱۱٪ | Mdubowitz, XiyueWang9, rezahn56, AlirezaNader, BenWeinthal, Alighazizade, Dtehrany, Sghasseminejad, AlinejadMasih, manototv |
| مشکی (افراد یا سازمان‌های غیر ایرانی) | 3.2% | ۹.۱۰٪ | rich_goldberg, Kredo0, RichardGrenell, disclosetv, joshdcaplan, NikkiHaley, WashTimes, SenTomCotton, SohrabAhmari, BuzzPatterson |
| نارنجی (میان‌روهای انقلابی) | 10.4% | ۵.۷٪ | Ehsanmansuri, aqolizadeh, ebializade, RezaNasri1, mostafatajzade, sabaazarpeik, marziyemahmoodi, PedramSoltani1, ar_moezi, zandizadeh |
| قرمز (بات‌های انقلابی) | 4.8% | ۱.۵٪ | moein_moslem, firouz_hae, Marziyeh33, roudehi83, Soobh7777, HB_kerman, baharazadi1400, mahdijahad74, sarbaze1velayat, Marziehs12 |

بحث و جمع‌بندی

در پژوهش حاضر، داده‌های مرتبط با تحریم‌های اقتصادی با حجم بزرگ از شبکه اجتماعی توییتز (ایکس) استخراج و تحلیل شده است. براساس یافته‌های این پژوهش، عوامل بسیار متفاوتی در شکل‌گیری مفهوم تحریم در شبکه‌های اجتماعی نقش دارند. تحریم‌ها واقعیتی اجتماعی در فضای دیجیتال‌اند که مفهوم مستقل و جدیدی را به خود گرفته‌اند و افراد و گروه‌های تأثیرگذار در شبکه‌های اجتماعی به‌طور خاص توییتز، در صدد غلبه معنایی و تفسیری این واژگان براساس گفتمان خود و تسری آن در کل شبکه‌اند. در ادامه، داده‌های به دست آمده در چارچوب نظری پژوهش تحلیل می‌شود.

متن‌ها و زمینه‌ها

در تشخیص متن منسجم‌شده در شبکه، با توجه به عقیده هالیدی و حسن (2014) و جونز و همکاران (2015)، بافتار کلی و بینامتنیت، ابزارهای مهمی‌اند که در تشخیص شکل‌گیری یک متن منسجم به ما یاری می‌رسانند. در این

پژوهش، متن که همان گراف و خوشه‌های توییت‌ها و ریتوییت‌هاست، تقرب فکری-سیاسی اجزای هر گفتمان، موجب انسجام داخلی متن‌ها و مرزبندی با گفتمان‌های مجاور شده است؛ به این صورت که در یک فرآیند اجتماعی دیجیتال، کاربران هر خوشه، هم به تولید متن دست می‌زنند و هم بافتار آن خوشه را با ریتوییت‌کردن، گسترش می‌دهند. همچنین، همین کاربران‌اند که با اضافه کردن نظر خود (کوت کردن) نوشته اولیه، تفسیر بینامتنی را به این روند می‌افزایند و این افزودن، تا شکل‌گیری گفتمان مشخصی، ادامه پیدا می‌کند. در تمامی خوشه‌های این شبکه، به‌جز خوشه بات‌ها، این بینامتنیت حاضر در بافتار است که از طریق حساب‌های مختلف گسترش می‌یابد و البته در مواردی به خوشه مجاور با تفسیری هم‌راستا یا غیرهم‌راستا نیز تسری می‌یابد. بنابراین تفسیر بینامتنی هر بافتار در هر خوشه را با تفسیرهای دیگری به حیات خود در گفتمان‌های مجاور ادامه می‌دهند و در شکل‌گیری بافتار، بینامتنیت، گفتمان و پرکنیس دیجیتال خوشه‌های دیگر نیز، تأثیرگذار خواهند بود. از این

واکنش، اساساً مبدأ و منظور هیچ‌گونه تحلیلی نیست. اما با توجه به آنچه خواهیم دید، وجود آنها برای این پژوهش، تحلیل‌شدنی و تفسیرپذیر خواهد بود. شایان ذکر است با توجه به نظر گی (2023) که معتقد است هرگونه تعامل با فناوری‌ها هم‌زمان، به‌منزله گفت‌وگو با طراحان این فناوری‌هاست، وجود و حضور هر یک از خوشه‌ها و گفتمان‌های تولیدشده از طریق آنها، در حکم کنش و واکنش با صاحبان و سازندگان شبکه‌ایکس یا توییتر است. این گزاره در پژوهش حاضر نیز معنا پیدا می‌کند؛ زیرا مدتی پس از تغییر مالکیت توییتر، تغییرات عمده‌ای در الگوریتم‌های این شبکه در مواجهه با حساب‌های غیرواقعی، به‌ویژه بات‌ها انجام می‌شود و با توجه به فشارهای اجتماعی و سیاسی برای از بین بردن ترافیک غیرواقعی و تعامل‌های مصنوعی در این شبکه اجتماعی، بنا به وعده مالک شبکه، ادامه خواهد داشت.³

ایدئولوژی و قدرت

بررسی خطوط ارتباطی قدرت‌ها و ایدئولوژی‌ها در شبکه بحث‌شده، در عین سادگی تفکیک‌شده‌اش، حامل پیام‌های پیچیده‌ای برای اهل تفسیر و تحلیل است. همان‌طور که پیش‌تر نیز به‌طور تلویحی اشاره شد، تفکیک خوشه‌های این شبکه، به‌طور کلی مبتنی بر تعیین نسبت با جریان‌های قدرت و ایدئولوژی انجام گرفته است. در تحلیل کلان‌داده‌ها، این نوع تفکیک، نه با خواست و اراده پژوهشگران، براساس به‌کارگیری الگوریتم‌های تحلیل داده‌ها به دست می‌آید؛ بنابراین، این شبکه ذاتاً به دلایل شرایط خاص اجتماعی، سیاسی و فرهنگی ایران، چنین دسته‌بندی واضحی را عرضه کرده است، به‌گونه‌ای که اگر خوشه ۱ را که به‌نوعی نماینده گفتمان حاکمیت مستقر و مبتنی بر ارزش‌های رادیکال انقلابی است، یک‌سر طیفی فرضی در نظر بگیریم، سر دیگر طیف، خوشه شماره ۳ قرار می‌گیرد که تولیدکننده گفتمان رادیکال

حیث، همان‌طور که بوفرانچ و بلیتویچ^۱ (2018) تصریح می‌کنند، تحلیل روابط گفتمان‌ها و پراکنش‌های دیجیتال، تنها با در نظر گرفتن یک یا چند جنبه ثابت، همانند آنچه معمولاً در شبکه‌های غیردیجیتال اتفاق می‌افتد، امری ناممکن و احتمالاً بی‌نتیجه است. البته این به آن معنا نیست که شبکه‌های آنالوگ (غیردیجیتال) و دیجیتال، ماهیتی کاملاً مجزا دارند؛ زیرا براساس عقیده وندایک^۲ (2008)، تحلیل ارتباطات بین افراد باید با در نظر گرفتن جنبه‌های مختلف زمانی و مکانی و نیز شناخت جنبه‌های مادی و شناختی عوامل اجتماعی همراه باشد. پس در تحلیل شبکه حاضر، زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی نادیده گرفته نمی‌شود؛ برای نمونه، زمینه سیاسی و اجتماعی اجزای خوشه ۴ که فعالان خارجی‌اند و آن‌چنان که خواهیم دید، درون خود نیز طیف‌بندی درخور توجهی دارند، چه از نظر هدف‌گذاری و چه از نظر مبنای نظری، بسیار متفاوت با ایرانیانی است که خارج از کشورند یا توییت‌هایشان را به زبان انگلیسی منتشر می‌کنند.

کنش‌ها و واکنش‌ها

همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، تحلیل شبکه‌های اجتماعی، تحلیل کنش‌ها و واکنش‌ها نیز هست. این کنش و واکنش در سطوح مختلفی انجام می‌گیرد، به‌خصوص در توییتر و شبکه استخراج‌شده از آن، کنش‌ها و واکنش‌ها، به‌جز در بین اجزای هر خوشه، در نقاط مرزی بین خوشه‌ها درخور توجه و تفسیر است؛ برای نمونه، خوشه شماره ۲ که خوشه‌ای میانه با خوشه‌های ۱، ۳ و ۵ است، بیشترین کنش و واکنش مرزی را با دیگر خوشه‌ها دارد. به معنای دیگر، گفتمان شکل‌گرفته در خوشه ۳، بیشترین تعامل (اعم از مثبت و منفی) را با گفتمان‌های دیگر خوشه‌ها دارد که این تعامل، با ماهیت میانه‌روتر این خوشه نسبت به خوشه ۱، سازگار است. با توجه به موارد گفته‌شده، خوشه بات‌ها، به‌دلیل فقدان کنش و

³ <https://www.theguardian.com/technology/2023/sep/09/x-twitter-bots-republican-primary-debate-tweets-increase>

¹ Bou-Franck & Blitvich

² Van Dijk

حاکمیت به نفع جریان مخالف (و عموماً نامحبوب نزد جامعه ایرانی) مغلوبه کرده است (به جایگاه بات‌ها و پیوندهایی توجه کنید که به‌جای تأثیرگذاری وصل نمی‌شوند).

به نظر می‌رسد در جامعه‌ای با ضریب نفوذ بالای اینترنت و درصد بالای فارغ‌التحصیلان دانشگاهی، تحریم‌های خارجی به‌همراه تحریم‌های داخلی نظیر فیلترینگ و ضعف گفتمانی، جنگ معناسازی و گفتمان‌سازی را در شبکه‌های اجتماعی نابرابر و در بخش‌هایی، مغلوبه می‌کند. چنان‌که با وجود حضور مستقیم و پرجمعیت طرف‌داران و نزدیکان هسته قدرت در جمهوری اسلامی و حتی ساخت و انتشار بات‌های پرشمار، گفتمان حاصل‌شده، جز بافتار همین خوشه و تا حدی خوشه مجاور، تأثیر چندانی (اعم از مثبت یا منفی) در انتشار این گفتمان در شبکه ندارد. در واقع گفتمان حاصل‌شده، بیشتر مصرفی درون‌شبکه‌ای دارد و با وجود قدرت کمی، گسترش کیفی چندانی پیدا نکرده است. خوشه میانه‌روی طرف‌داران حکومت، تأثیر بینامتنی بیشتری در شکل‌گیری و گسترش گفتمان خود دارد و به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم، تمامی خوشه‌های دیگر را تحت تأثیر قرار می‌دهد. خوشه براندازان را باید خوشه‌ای مؤثرتر از خوشه نزدیک به حاکمیت در شکل‌گیری معنای تحریم‌ها در گفتمان‌های بین‌المللی دانست که این تأثیر قدری بیشتر از تأثیر ایرانیان خارج کشور است. شبکه استخراج‌شده، مانند تمام روابط دیگر (بیشتر از نظر فوکویی)، در کنش و واکنش با نهادهای قدرت و ایدئولوژی شکل می‌گیرد و ردپای این گزاره چه در بافتار، چه در بینامتنیت و چه در شکل‌گیری پرکنس دیجیتال ردگیری می‌شود.

همچنین از محدودیت‌های پژوهش حاضر، به مشکلات اساسی در اینترنت، فیلترینگ، قطعی کامل اینترنت بین‌الملل در جریان اعتراضات سال ۱۴۰۱، تغییر مالکیت توییت و پیرو آن تغییر سطح دسترسی‌های فنی برای جمع‌آوری داده‌ها، از این شبکه بود. در حال حاضر به‌سختی می‌توان از مبادی استاندارد از توییت، با نام کنونی ایکس، داده‌ها مناسبی را جمع‌آوری کرد؛ اما در صورت فراهم‌شدن این بستر، به

براندازانه و غیر (ضد) انقلابی است. بقیه خوشه‌ها در این تعیین نسبت، در میانه این دو گفتمان قرار خواهند گرفت. اما بازدهی اجزای هر خوشه نیز، تحلیل دیگری را در اختیار می‌گذارد. خوشه ۱ که بزرگ‌ترین خوشه این شبکه است، بازدهی ۱۰۰ درصدی دارد که با توجه به نزدیکی افراد تأثیرگذار این خوشه به مرکز قدرت، احتمالاً حمایت‌های مادی و معنوی حاکمیت برای گفتمان‌سازی، نادیده گرفته نمی‌شود؛ آن هم در شبکه‌ای که از طریق همین حاکمیت از دسترس عموم مردم خارج شده است. ناگفته نماند که خوشه بات‌های انقلابی نیز با همین مجموعه تولید و تکثیر و چنین اعتباری برای این خوشه نیز در نظر گرفته می‌شود. اما تحلیل این موضوع به همین جا ختم نخواهد شد؛ زیرا در این تحلیل باید کیفیت ارتباطی و تأثیرگذاری و تأثیرپذیری خوشه‌ها را نیز در نظر بگیریم؛ برای نمونه، با بررسی خوشه شماره ۴، درمی‌یابیم که شخصیت‌های سیاسی، رسانه‌ای و فعالان اجتماعی بین‌المللی، نه از بزرگ‌ترین خوشه (از نظر حجم) که از دو یا سه خوشه کوچک‌تر تأثیر می‌پذیرند؛ یعنی این خوشه‌های ۳ و ۵ هستند که بافتار و تفسیر بینامتنی خوشه ۴ را، به‌عنوان خوشه گفتمان‌ساز با مخاطبان غیر ایرانی تحت تأثیر قرار می‌دهند. نکته درخور توجه در خوشه ۴، شکل‌گیری طیفی از نظریه‌هاست که در یک‌سر آن افراد نزدیک به جمهوری خواهان آمریکایی (موافق تحریم‌ها و حتی جنگ مستقیم با ایران) و در سر دیگر آن، فعالان اجتماعی و رسانه‌هایی قرار می‌گیرند که تحریم‌ها را غیر مؤثر و غیرانسانی می‌دانند؛ بنابراین تأثیر خوشه نه‌چندان گسترده ۳ که خوشه برانداز نام نهاده شد و در نقطه مقابل قدرت و ایدئولوژی حاکم قرار دارد، از تأثیر خوشه ۱، به‌مراتب بیشتر و تأثیرگذارتر است. به عبارت دیگر، با حذف عموم مخاطبان ایرانی از طریق حاکمیت از پهنه گفتمان‌سازی شبکه ایکس یا توییت و تلاش بر جایابی مصنوعی در جامعه دیجیتال (توسط افراد و بات‌ها)، گفتمان‌سازی پرشور؛ اما کم‌اثرتری نسبت به گذشته به جریان افتاده است که جنگ گفتمانی را برای خود

تبلیغاتی «رأی بی رأی» در توییتر، براساس مدل تحلیلی جاوت و ادانل. *جامعه، فرهنگ و رسانه*، ۱۰(۳۹)، ۱۱-۴۴.

میرمحمدصادقی، م. (۱۳۹۱). بررسی جایگاه و توانایی اثرگذاری قشر «رهبران شبکه‌ای» در شبکه اجتماعی آنلاین فیس‌بوک. *مطالعات بین رشته‌ای در رسانه و فرهنگ*، ۲(۱)، ۷۳-۹۷.

نوغانی دخت‌بهمنی، م. و صادقی‌نژاد، م. (۱۳۹۳). روش تحلیل شبکه (رویکردهای نظری و تکنیک‌ها). [ارائه مقاله در دومین کنفرانس ملی جامعه‌شناسی و علوم اجتماعی، دی‌ماه ۱۳۹۳].

ون دایک، ت. ا. (۱۳۸۲). *مطالعاتی در تحلیل گفتمان*، تهران: دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها.

References

- Akhtar, N., Javed, H., & Sengar, G. (2013). *Analysis of Facebook social network*. In 2013 5th International Conference and Computational Intelligence and Communication Networks (pp. 451-454). IEEE. <http://dx.doi.org/10.1109/CICN.2013.99>
- Allen, S. H., & Lektzian, D. J. (2013). Economic sanctions: A blunt instrument?. *Journal of Peace Research*, 50(1), 121-135. <https://doi.org/10.1177/0022343312456224>
- Asnafi, A. R., Hosseini, E., & Amayeh, S. (2017). Visualization and analysis of the co-authorship network of articles of national congress on "Family Pathology" using social network analysis indicators. *Journal of Family Research*, 13(2), 319-333. [In Persian]
- Baig, M. I., Shuib, L., & Yadegaridehkordi, E. (2019). Big data adoption: State of the art and research challenges. *Information Processing & Management*, 56(6), 102095. <https://doi.org/10.1016/j.ipm.2019.102095>
- Biglaiser, G., & Lektzian, D. (2011). The effect of sanctions on U. S. foreign direct investment. *International Organization*, 65(3), 531-551. <https://doi.org/10.1017/S0020818311000117>
- Bou-Franch, P., & Blitvich, P. G. C. (Eds.). (2018). *Analyzing digital discourse: New insights and future directions*. Springer. <http://dx.doi.org/10.1007/978-3-319-92663-6>
- Busk, H. (2016). Sanctions and the exit from unemployment in two different benefit schemes. *Labour Economics*, 42(1), 159-176. <https://doi.org/10.1016/j.labeco.2016.09.001>

پژوهندگان آینده پیشنهاد می‌کنیم تا گفتمان شبکه‌های مختلف تحریم و غیر از آن و نیز سرمایه‌های دیجیتال اجتماعی در دنیای امروز را کنیم.

منابع فارسی

اسکات، ج. (۱۳۹۶). *تحلیل شبکه اجتماعی (ترجمه محسن نوغانی و مهسا صدقی‌نژاد)*، مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد.

اصنافی، ا. ر.؛ حسینی، ا. و آمایه، س. (۱۳۹۶). ترسیم و تحلیل شبکه هم‌نویسندگی مقالات کنگره ملی «آسیب‌شناسی خانواده» با بهره‌گیری از شاخص‌های تحلیل شبکه اجتماعی. *خانواده‌پژوهی*، ۱۳(۲)، ۳۱۹-۳۳۳.

جمشیدی بروجردی، ع. ر.؛ حمیدی‌زاده، ع.؛ امامی، س. م. و امیری، ع. ن. (۱۴۰۲). فهم ذهنیت‌های کلیدی بازیگران عرصه خط‌مشی اقتصادی کشور در به‌کارگیری کلان‌داده‌ها. *مطالعات مدیریت دولتی ایران*، ۶(۱)، ۳۷-۱. [doi: 10.22034/jipas.2023.377932.1529](https://doi.org/10.22034/jipas.2023.377932.1529)

چلبی، م. (۱۳۷۳). تحلیل شبکه در جامعه‌شناسی. *فصلنامه علوم اجتماعی*، ۲(۵ و ۶)، ۴۸-۹.

حیدری، ف. (۱۳۹۶). تأثیر تحریم‌های اقتصادی بر حقوق زنان. *پژوهش‌نامه حقوق بشری*، ۱(۲)، ۱۰۳-۱۱۶.

حاجی ملامیرزایی، ح.؛ محمدی، ح. و سعادت‌مند، ا. م. (۱۴۰۰).

تبیین نقش فناوری کلان‌داده‌ها در هوشمندی سامانه‌های فرماندهی و کنترل سایبری و ارائه مدل کاربردی آن. *مطالعات بین رشته‌ای دانش راهبردی*، ۱۱(۴۳)، ۹۷-۱۲۴.

فرکلاف، ن. (۱۳۷۹). *تحلیل انتقادی گفتمان نورمن فرکلاف (ترجمه فاطمه شایسته‌پیران، محمد نبوی و مهران مهاجر)*. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

فوکس، ک. (۱۳۹۹). *رسانه‌های اجتماعی خوانش انتقادی (ترجمه حسین بصریان جهرمی)*. تهران: نشر پژوهشگاه فرهنگ هنر و ارتباطات.

قنبری، ع. و چمنی، ح. (۱۴۰۰). تحلیل ساختار پوشش

- Shaistapiran, Mohammad Nabawi and Mehran Mohajer), Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance. [In Persian]
- Frye, T. (2019). Economic sanctions and public opinion: survey experiments from Russia. *Comparative Political Studies*, 52(7), 967–994. <https://doi.org/10.1177/0010414018806530>
- Fuchs, C. (2020). *Social media : A critical introduction*. (Translated by Hossein Basirian Jahormi), Tehran: Publication Research Center for Culture, Art and Communication. [In Persian]
- Galtung, J. (1967). On the effects of international economic sanctions, with examples from the case of Rhodesia. *World Politics*, 19(3), 378–416. <https://doi.org/10.2307/2009785>
- Gee, J. P. (2023). *Discourse and 'the New Literacy Studies'*. In *The Routledge handbook of discourse analysis* (pp. 469-480). Routledge <http://dx.doi.org/10.4324/9781003035244-39>
- Ghanbari, A., & Chamani, H. (2021). Analysis of the "No Vote" campaign on twitter based on the garth S. Jowett and victoria o'donnell's analytical model of advertisement camping. *Society Culture Media*, 10(39), 1-44. [In Persian]
- Gordon, C. (2023). *Intertextuality 2. 0: Metadiscourse and meaning-making in an online community*. Oxford University Press. <https://doi.org/10.1093/oso/9780197642689.001.0001>
- Grauvogel, J., Licht, A. A., & Von Soest, C. (2017). Sanctions and signals: How international sanction threats trigger domestic protest in targeted regimes. *International Studies Quarterly*, 61(1), 86–97. <https://doi.org/10.1093/isq/sqw044>
- Gutmann, J., Neuenkirch, M., & Neumeier, F. (2021). Sanctioned to death? The impact of economic sanctions on life expectancy and its gender gap. *The Journal of Development Studies*, 57(1), 139-162. <https://doi.org/10.2139/ssrn.3036391>
- Halliday, M. A. K., & Hasan, R. (2014). *Cohesion in english* (No. 9). Routledge. <https://doi.org/10.4324/9781315836010>
- Haji Molla Mirzaie, H., Mohammadi, H., & Saadatmand, A. M. (2021). Explain the role of "big data" technology in the intelligence of "cyber command and control" systems and providing its practical model. *Strategic Management Studies of National Defence Studies*, 11(43), 97-124. [In Persian]
- Hatipoglu, E., & Peksen, D. (2018). Economic sanctions and banking crises in target economies. *Defence and Peace Economics*, 29(2), 171–189. <https://doi.org/10.1080/10242694.2016.1245811>
- Hemminger, E. (2018). The digital construction of
- Catanese, S. A., De Meo, P., Ferrara, E., Fiumara, G., & Provetti, A. (2011). *Crawling facebook for social network analysis purposes*. In *Proceedings of the international conference on web intelligence, mining and semantics* (pp. 1-8). <https://doi.org/10.1145/1988688.1988749>
- Chalabi, M. (1995). Network analysis in sociology. *Social Sciences*, 3(5.6), 9-48. [In Persian]
- Choi, S. W., & Luo, S. (2013). Economic sanctions, poverty, and international terrorism: An empirical analysis. *International Interactions*, 39(2), 217–245. <https://doi.org/10.1080/03050629.2013.768478>
- Darics, E., & Clifton, J. (2023). Tracking the identity of the organisation via twitter: metadiscourse analysis. In *Organisation, Communication and Language: A Case Book of Methods for Analysing Workplace Text and Talk* (pp. 105-127). Springer International Publishing. http://dx.doi.org/10.1007/978-3-031-30199-5_6
- Dizaji, S. F., & Farzanegan, M. R. (2019). Do sanctions constrain military spending of Iran? *Defence and Peace Economics*, 00(00), 1–26. <https://doi.org/10.1080/10242694.2019.1622059>
- Dreger, C., Kholodilin, K. A., Ulbricht, D., & Fidrmuc, J. (2016). Between the hammer and the anvil: The impact of economic sanctions and oil prices on Russia's ruble. *Journal of Comparative Economics*, 44(2), 295–308. <https://doi.org/10.1016/j.jce.2015.12.010>
- Drezner, D. W. (2015). Targeted sanctions in a world of global finance. *International Interactions*, 41(4), 755–764. <https://doi.org/10.1080/03050629.2015.1041297>
- Early, B. R., & Jadoon, A. (2019). Using the carrot as the stick: us foreign aid and the effectiveness of sanctions threats. *Foreign Policy Analysis*, 15(3), 350–369. <https://doi.org/10.1093/fpa/orz007>
- Ellison, N. B., Steinfield, C., & Lampe, C. (2007). The benefits of Facebook "friends": Social capital and college students' use of online social network sites. *Journal of Computer-Mediated Communication*, 12(4), 1143-1168.
- Fakheran, O. (2019). Economic sanctions and dental public health in Iran. *Journal of Oral Health and Oral Epidemiology*, 8(1), 52–54. <https://doi.org/10.22122/johoe.v8i1.443>
- Farzanegan, M. R., & Hayo, B. (2019). Sanctions and the shadow economy: empirical evidence from Iranian provinces. *Applied Economics Letters*, 26(6), 501–505. <https://doi.org/10.1080/13504851.2018.1486981>
- Fairclough, N. (2000). *Critical analysis of Norman Fairclough's discourse*. (Translated by Fatemeh

- Kim, Y. (2019). Economic sanctions and HIV/AIDS in women. *Journal of Public Health Policy*, 40(3), 351–366. <https://doi.org/10.1057/s41271-019-00173-6>
- Kokabisaghi, F. (2018). Assessment of the effects of economic sanctions on iranians' right to health by using human rights impact assessment tool: A systematic review. *International Journal of Health Policy and Management*, 7(5), 374–393. <https://doi.org/10.15171/ijhpm.2017.147>
- Kopytowska, M. (2023). *Proximization, prosumption and salience in digital discourse: on the interface of social media communicative dynamics and the spread of populist ideologies*. In *Social Media Critical Discourse Studies* (pp. 26-42). Routledge. <https://doi.org/10.1080/17405904.2020.1842774>
- Lewis, K., Kaufman, J., Gonzalez, M., Wimmer, A., & Christakis, N. (2008). Tastes, ties, and time: A new social network dataset using Facebook. *Social Networks*, 30(4), 330–342. <https://doi.org/10.1016/j.socnet.2008.07.002>
- Lane, C. A. (2019). *Digitizing learning: How video games can be used as alternative pathways to learning*. In *Innovative Trends in Flipped Teaching and Adaptive Learning* (pp. 138-161). IGI Global. <https://doi.org/10.4018/978-1-5225-8142-0>
- Lupton, D. (2014). *Digital sociology*. London: Routledge, 236p. <https://doi.org/10.4324/9781315776880>
- McCormack, D., & Pascoe, H. (2017). Sanctions and preventive war. *Journal of Conflict Resolution*, 61(8), 1711–1739. <https://doi.org/10.1177/0022002715620471>
- Mir Mohammad Sadeghi, M. (2012). A review of the effectiveness potential of 'network leaders' and the positions occupied by them in facebook online social network. *Interdisciplinary Studies in Media and Culture*, 2(1), 73-97.
- Monzani, L., Seijts, G. H., & Crossan, M. M. (2021). Character matters: The network structure of leader character and its relation to follower positive outcomes. *PLoS One*, 16(9), e0255940 <https://doi.org/10.1371/journal.pone.0255940>
- Neuenkirch, M., & Neumeier, F. (2016). The impact of US sanctions on poverty. *Journal of Development Economics*, 121(1), 110–119. <https://doi.org/10.1016/j.jdeveco.2016.03.005>
- Noghani Dekhtbahmani, M., & Sadeghinjad, M. (2014). *Network analysis method (theoretical approaches and techniques)*. [Presentation of the article at the second national conference of sociology and social sciences, January 2014]. [In Persian]
- Norris, S. (2004). *Analyzing multimodal interaction: A methodological framework*. Routledge. <http://dx.doi.org/10.4324/9780203379493>
- social reality: An analysis of online cultures as communities of practice. *Informelles Lernen: Standortbestimmungen*, 181-197. https://doi.org/10.1007/978-3-658-15793-7_11
- Herring, S. C. (2019). The coevolution of computer-mediated communication and computer-mediated discourse analysis. *Analyzing Digital Discourse: New Insights and Future Directions*, 25-67. http://dx.doi.org/10.1007/978-3-319-92663-6_2
- Heydari, F. (2016). The effect of economic sanctions on women's rights. *Research Journal of Human Rights*, 8(2), 103-116. [In Persian]
- Hufbauer, G. C., Schott, J. J., Elliott, K. A., & Oegg, B. (2007). *Economic sanctions reconsidered*. 3rd Ed., Washington D.C., Peterson, Institute for International Economics. <https://doi.org/10.2307/2203870>.
- Ilbury, C. (2022). Discourses of social media amongst youth: An ethnographic perspective. *Discourse, Context & Media*, 48, 100625 <https://doi.org/10.1016/j.dcm.2022.100625>
- Jamshidi Borujerdi, A., Hamidizadeh, A., Emami, S. M., & Amiri, A. N. (2023). Understanding the key mindsets of Iranian economic policy actors in the Use of Big Data. *Journal of Iranian Public Administration Studies*, 6(1), 1-37. doi: 10.22034/jipas.2023.377932.1529. [In Persian]
- Jazairy, I. (2019). Unilateral economic sanctions, international law, and human rights. *Ethics and International Affairs*, 33(3), 291–302. <https://doi.org/10.1017/S0892679419000339>
- Jiang, L. (2019). Discourse and digital practices: Doing discourse analysis in the digital age. *Open Journal of Modern Linguistics*, 9(2), 92-96. <https://doi.org/10.4236/ojml.2019.92009>
- Jones, R. H., Chik, A., & Hafner, C. A. (2015). *Discourse and digital practices: Doing discourse analysis in the digital age* (p. 262). Taylor & Francis. <https://doi.org/10.4324/9781315726465>
- Katouzian, H. (2012). *Iranian history and politics: the dialectic of state and society*. Routledge. <https://doi.org/10.4324/9780203081310>
- Khan, H. U., Nasir, S., Nasim, K., Shabbir, D., & Mahmood, A. (2021). Twitter trends: A ranking algorithm analysis on real time data. *Expert Systems with Applications*, 164(1), 113990. <https://doi.org/10.1016/j.eswa.2020.113990>
- Kim, D. H. (2013). Coercive assets? Foreign direct investment and the use of economic sanctions. *International Interactions*, 39(1), 99–117. <https://doi.org/10.1080/03050629.2013.751305>
- Kim, I., & Lee, J. C. (2019). Sanctions for nuclear inhibition: Comparing sanction conditions between Iran and North Korea. *Asian Perspective*, 43(1), 95–122. <https://doi.org/10.1353/apr.2019.0003>

- Scott, J. (2017). *Social network analysis*. Translated by Noghani, M., & Sedqi Nejad, M. Mashhad: Publications of Ferdowsi University of Mashhad. [In Persian]
- Seargeant, P., & Tagg, C. (2019). Social media and the future of open debate: A user-oriented approach to Facebook's filter bubble conundrum. *Discourse, Context & Media*, 27, 41-48. <https://doi.org/10.1016/j.dcm.2018.03.005>
- Selwyn, N. (2015). The discursive construction of education in the digital age. *Discourse and digital practices. Doing discourse analysis in the digital age*, 226-240. <https://doi.org/10.4324/9781315726465-15>
- Sen, K., Al-Faisal, W., & Alsaleh, Y. (2013). Syria: Effects of conflict and sanctions on public health. *Journal of Public Health (United Kingdom)*, 35(2), 195-199. <https://doi.org/10.1093/pubmed/fds090>
- Snyder, I. (2015). *Discourses of 'curation' in digital times*. In *Discourse and digital practices* (pp. 209-225). Routledge.
- Tuzova, Y., & Qayum, F. (2016). Global oil glut and sanctions: The impact on Putin's Russia. *Energy Policy*, 90(1), 140-151. <https://doi.org/10.1016/j.enpol.2015.12.008>
- Studies, P. (2016). The effects of economic sanctions on the informal economy. *Management Dynamics in the Knowledge Economy*, 4(4), 623-648. <https://doi.org/10.4236/ojml.2019.92009>
- Tan, W., Blake, M. B., Saleh, I., & Dustdar, S. (2013). Social-network-sourced big data analytics. *IEEE Internet Computing*, 17(5), 62-69. <https://doi.org/10.1109/MIC.2013.100>
- Van Dijk, T. A. (2003). *Studies in discourse analysis*. Tehran: Office of media studies and development. [In Persian]
- Van Dijk, T. A. (2008). *Discourse and context. A sociocognitive approach*. Cambridge. <https://doi.org/10.1017/CBO9780511481499>
- Wallace, G. P. R. (2013). Regime type, issues of contention, and economic sanctions: Re-evaluating the economic peace between democracies. *Journal of Peace Research*, 50(4), 479-493. <https://doi.org/10.1177/0022343313482339>
- Yan, F. (2020). *Image, reality and media construction*. Springer Singapore <https://doi.org/10.201007/978-981-32-9076-1>
- Nourani, H., Mohammadian, M., Sarhaddi, R., Danesh, A., & Latifi, F. (2023). Discursive delegitimization of rouhani's nuclear diplomacy and the Iran nuclear deal by Iranian conservatives on Twitter. *Digest of Middle East Studies*, 32(3), 184-205. <http://dx.doi.org/10.1111/dome.12297>
- Oechslein, M. (2014). Targeting autocrats: Economic sanctions and regime change. *European Journal of Political Economy*, 36 (1), 24-40. <https://doi.org/10.1016/j.ejpoleco.2014.07.003>
- O'Halloran, K., & Smith, B. A. (Eds.). (2012). *Multimodal studies: Exploring issues and domains* (Vol. 2). Routledge.
- Orhan, D. D. (2023). Making foreign policy through twitter: an analysis of trump's tweets on Iran. In *Research Anthology on Social Media's Influence on Government, Politics, and Social Movements* (pp. 350-364). IGI Global. <http://dx.doi.org/10.4018/978-1-6684-7472-3.ch015>
- Park, N., Kee, K. F., & Valenzuela, S. (2009). Being immersed in social networking environment: Facebook groups, uses and gratifications, and social outcomes. *Cyberpsychology & Behavior*, 12(6), 729-733. <http://dx.doi.org/10.1089/cpb.2009.0003>
- Peksen, D. (2009). Better or worse? the effect of economic sanctions on human rights. *Journal of Peace Research*, 46(1), 59-77. <https://doi.org/10.1177/0022343308098404>
- Peksen, D. (2011). Economic sanctions and human security: The public health effect of economic sanctions. *Foreign Policy Analysis*, 7(3), 237-251. <https://doi.org/10.1111/j.1743-8594.2011.00136.x>
- Peksen, D. (2019a). Autocracies and economic sanctions: The divergent impact of authoritarian regime type on sanctions success. *Defence and Peace Economics*, 30(3), 253-268. <https://doi.org/10.1080/10242694.2017.1368258>
- Pratt, S., & Alizadeh, V. (2018). The economic impact of the lifting of sanctions on tourism in Iran: a computable general equilibrium analysis. *Current Issues in Tourism*, 21(11), 1221-1238. <https://doi.org/10.1080/13683500.2017.1307329>
- Sam, C. H., & Gupton, J. T. (2023). Of power and stories: Using foucauldian discourse analysis for a digimodern era. *Schriften der Deutschen Gesellschaft für Erziehungswissenschaft (DGfE)*, 125. https://www.researchgate.net/publication/374441300_Of_Power_and_Stories_Using_Foucauldian_Discourse_Analysis_for_a_Digimodern_Era
- Scott, J., & Carrington, P. J. (2011). *The SAGE handbook of social network analysis*. SAGE publications. <https://doi.org/10.4135/9781446264688>